



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الحق الرحیم

www.

www.

www.

www.

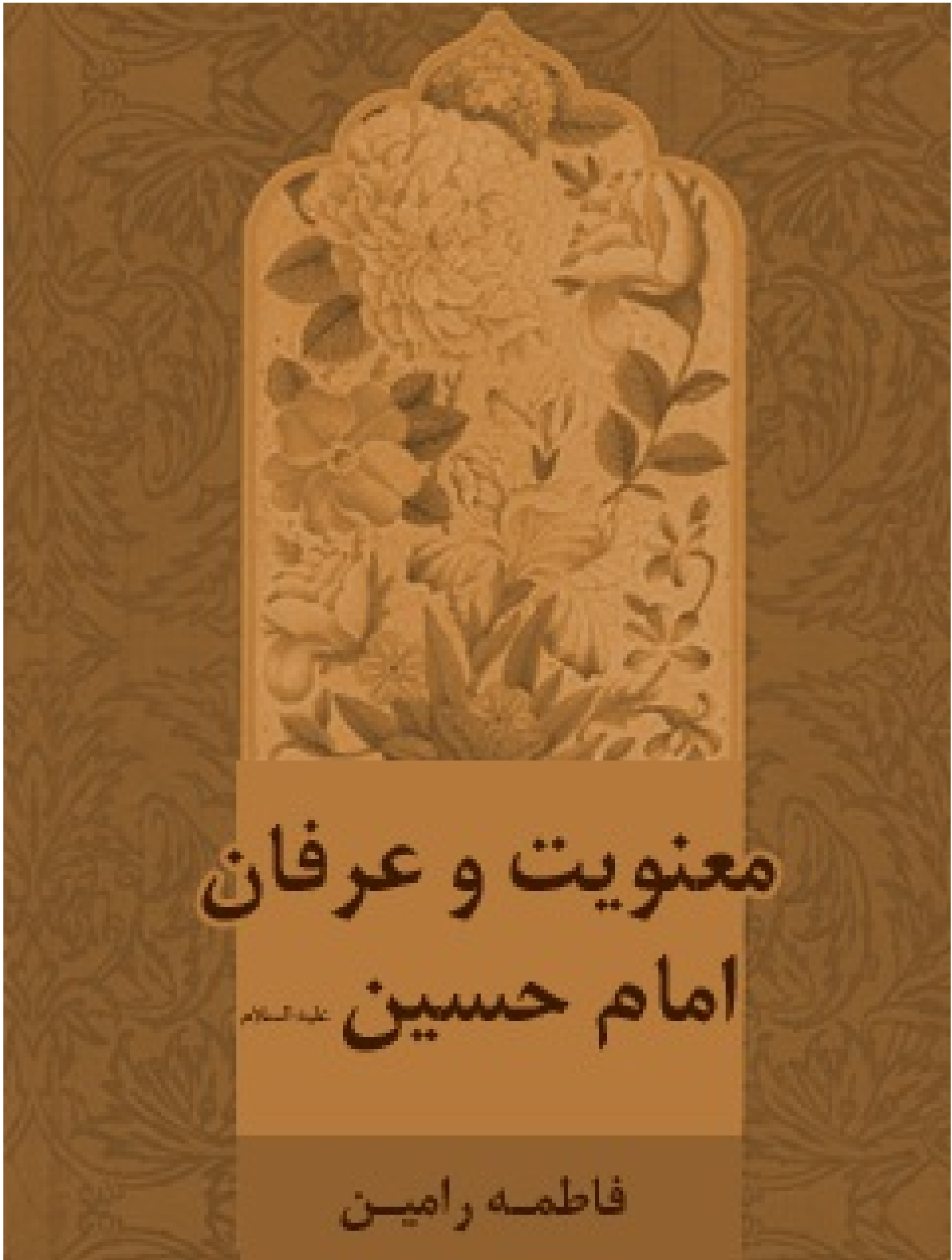
Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



معنویت و عرفان
امام حسین علیه السلام

فاطمه رامین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

معنویت و عرفان امام حسین (علیه السلام)

نویسنده:

فاطمه رامین

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	معنویت و عرفان امام حسین علیه السلام
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۹	فهرست مطالب
۱۲	مقدمه :
۱۴	بخش اول: معنویت و عرفان امام حسین (علیه السلام)
۱۴	حقیقت عرفان امام حسین (علیه السلام)
۱۴	شناخت از طریق سخنان امام حسین (علیه السلام)
۱۶	شناخت از طریق عملکرد امام حسین (علیه السلام)
۱۷	راه امام حسین (علیه السلام)، راه دل است
۲۱	بخش دوم: گریه و عزاداری بر امام حسین (علیه السلام) چرا؟
۲۱	اشاره
۲۳	دلالت عقل و قرآن و سنت
۲۴	گریه انبیا و معصومین (علیهم السلام) و همه موجودات برای امام حسین (علیه السلام)
۲۵	ائمه هدی (علیهم السلام)
۲۵	اشاره
۲۵	حضرت علی (علیه السلام):
۲۶	امام سجاد (علیه السلام):
۲۶	امام صادق (علیه السلام):
۲۷	امام کاظم (علیه السلام):
۲۷	امام رضا (علیه السلام):
۲۹	امام زمان (علیه السلام):
۲۹	انبیا صلوات الله علیهم اجمعین

۲۹	حضرت آدم (علیه السلام):
۲۹	حضرت ابراهیم (علیه السلام):
۳۱	حضرت خضر و موسی (علیهما السلام):
۳۳	ملائکه
۳۳	اولیاء خدا و بزرگان غیر معصوم علیهم السلام
۳۴	جن ها و دیگر موجودات
۳۷	عاطفه و محبت
۴۲	برخی آثار عزاداری و گریه بر امام حسین (علیه السلام)
۴۵	فلسفه زنده نگه داشتن مصائب امام حسین (علیه السلام)
۵۰	ترفند و دسیسه دشمنان اسلام
۵۳	خلاصه مقاله
۵۵	منابع و مأخذ
۵۹	درباره مرکز

معنویت و عرفان امام حسین علیه السلام

نوع: مقاله پدیدآور: رامین، فاطمه عنوان و شرح مسئولیت: معنویت و عرفان امام حسین (ع) [منبع الکترونیکی] / فاطمه رامین توصیف ظاهری: 1 متن الکترونیکی: بایگانی HTML؛ داده های الکترونیکی (14 بایگانی: 79.8K) سلام الله علیها)) موضوع: عرفان حسین بن علی (ع)، امام سوم

ص: 1

اشاره

نوع: مقاله پدیدآور: رامین، فاطمه عنوان و شرح مسئولیت: معنویت و عرفان امام حسین (ع) [منبع الکترونیکی] / فاطمه رامین توصیف
ظاهری: 1 متن الکترونیکی: بایگانی HTML؛ داده های الکترونیکی (14 بایگانی: 79.8K) (سلام الله علیها)) موضوع: عرفان حسین بن
علی (ع)، امام سوم

بخش اول: معنویت و عرفان امام حسین (علیه السلام)

حقیقت عرفان امام حسین (علیه السلام)

شناخت از طریق سخنان امام حسین (علیه السلام)

شناخت از طریق عملکرد امام حسین (علیه السلام) 9

راه امام حسین (علیه السلام)، راه دل است 10

بخش دوم: گریه و عزاداری بر امام حسین (علیه السلام) چرا؟

دلالت عقل و قرآن و سنت 15

گریه انبیا و معصومین (علیهم السلام) و همه موجودات برای امام حسین (علیه السلام): 16

حضرت زهرا سلام الله علیها 16

ائمه هدی (علیهم السلام):

حضرت علی (علیه السلام)

امام سجاد (علیه السلام)

امام صادق (عليه السلام)

امام كاظم (عليه السلام)

امام رضا (عليه السلام)

امام زمان (عليه السلام)

انبيا صلوات الله عليهم اجمعين:

حضرت آدم (عليه السلام)

حضرت ابراهیم (علیه السلام) 20

حضرت خضر و موسی (ع)

21

ملائکه 22

اولیاء خدا و بزرگان غیر معصوم

22

جن ها و دیگر موجودات

23

عاطفه و محبت

25

برخی آثار عزاداری و گریه بر امام حسین (علیه السلام)

30

فلسفه زنده نگه داشتن مصائب امام حسین (علیه السلام):

32

ترفند و دسیسه دشمنان اسلام

36

خلاصه مقاله

39

منابع و مأخذ 41

ص: 4

بسم الله الرحمن الرحيم

«هذا من فضل ربّي»

«الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين و اللعنة الدائمة على اعدائهم اجمعين».

نقل شده که پیرزنی با وجود علم بر کم‌بضاعتی خود و دانستن اینکه آنچه دارد قابل عرضه برای خرید حضرت یوسف (علیه السلام) نیست، فقط برای اینکه جزء خریداران حضرتش محسوب گردد، خود را در صف خریداران ایشان قرار داد.

من نیز با این بضاعت ناچیز علمی خود اقدام به نوشتن مقاله ای، آن هم مربوط به شخصیتی همچون امام حسین (علیه السلام) نمودم تا شاید مرا هم در صف کسانی قرار دهند که در راه حضرتش گامی ناچیز برداشته‌اند. و باشد که حضرتش با نیم‌نگاهی به من سرا پا تقصیر نیز توفیق پیمودن راه نجات و سعادت را عنایت فرماید.

آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند آیا شود که گوشه چشمی به ما کنند؟!

این مقاله در دو بخش تنظیم گردیده است:

بخش اول - معنویت و عرفان امام حسین (علیه السلام).

بخش دوم - گریه و عزاداری بر امام حسین (علیه السلام) چرا؟

از درگاه خداوند منان خواهانم که به فضل خود این توفیق را عنایت فرماید که این مقاله مورد قبول سید الشهداء (علیه السلام) واقع گردد تا باقیات و صالحاتی باشد که ثوابش هدیه به روح تمامی شهدا خصوصاً شهدای کربلا و دو شهید بزرگوار ادامه دهنده راه امام حسین (علیه السلام)، استاد شهید مرتضی مطهری 6 و شهید آیت الله سید عبد الحسین دستغیب

6 گردد. چرا که این حقیر در این مقاله بیشترین استفاده را از مطالب کتب این دو شهید جلیل القدر نمودم. امیدوارم که ان شاء الله به فضل و کرم الهی شفاعت ایشان شامل حال این بنده عاصی و تمامی ذوی الحقوق گردد.

« السلام على من أمر بأقامة الحدود و الطاعة المعبود »

فاطمه رامین

1/10/1381

ص: 6

بخش اول: معنویت و عرفان امام حسین (علیه السلام)

حقیقت عرفان امام حسین (علیه السلام)

بسم الله الرحمن الرحيم

عرفان در لغت به معنای «دانستن بعد از نادانی» است و عارف؛ یعنی «دانا و شناسنده و مرد شکيبا». عرفا در کتب مختلف عرفانی، مراحل را برای سیر و سلوک بیان نموده اند که شخص بعد از طی این مراحل به شناخت و عرفان خواهد رسید.

اما امام حسین (علیه السلام) از راه دل، انسان ها را هدایت می کند. آن هم در کوتاه ترین مدت، که امثال حُرّ، ره صد ساله را يك شبه طی می کنند و به مقصد می رسند.

و اما اینکه معنویت و عرفان خود امام (علیه السلام) تا چه حدّ است، امامی که خداوند در مورد او می فرماید: «يا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارجعي إلى ربك راضيةً مرضيةً»⁽¹⁾ پی بردن به حقیقت عرفان حضرتش برای همچو منی که هنوز اندر خم يك كوچه ایم، امکان پذیر نیست.

آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید

شناخت از طریق سخنان امام حسین (علیه السلام)

یکی از مهم ترین منابع، برای پی بردن به عرفان و معنویت ایشان، دعای عرفة حضرت است. امام (علیه السلام) در این دعای شریف شناختی عمیق را مطرح می نماید که بالاتر از شناخت عقلاء است. و در عین حال، آن شناخت عقلائی را نیز تأیید می فرماید. آن جا که حضرت می گویند: «تفکر من در آثار تو، مایه دروی از دیدار توست ... چگونه چیزی که خودش از نظر هستی، نیازمند توست (آثار) می تواند دلیل بر وجود تو باشد. آیا چیز دیگری می تواند پدیدارتر

ص: 7

از خود تو باشد تا او وسیله ظهور تو گردد؟! کی نهانی تا نیازمند برهانی باشی که بر تو دلالت کند و کی دوری تا به وسیله آثار به تو رسند؟! (1)

در جای دیگر می فرمایند: «تویی که انوار معرفت را در دل های دوستان تاییدی تا تو را شناختند و یگانه دانستند». (2) و باز می فرمایند: «تو هستی که خودت را در هر چیزی به من شناساندی. پس من تو را آشکارا در هر چیز دیدم و تو بر هر چیزی آشکاری». (3) یعنی اگر اولیای تو، تو را شناختند به وسیله کمک و راهنمایی تو بود و گرنه آنها قدرت بر شناخت تو را نداشتند.

«خدایا تو دستور مراجعه به آثار را به من دادی» (4) تا از آثار پی به وجود تو ببرم، چون خودت خواسته ای که ما از طریق آنها تو را بشناسیم و گرنه چگونه آثار می توانند و قدرت دارند که خالق خود را بشناسانند؟ ما همچون ماهی دریا که به سبب غرق بودن در آب، توجه به آب نمی کند، از شدت تجلی انوار حق و غرق بودن در آن، توجه به آن نداریم. (5)

ولی آن قدر لطف و رأفت و رحمت داری که با وجود این حد از تجلی، باز ما را به وسیله آثار، متوجه می کنی تا هدایت یابیم. حتی قبل از اینکه ما از تو درخواست کنیم، تو به فکر ما هستی، قبل از اینکه ما به یاد تو باشیم، تو به یاد ما هستی. (6) و حتی همین که مشتاق تو هستم (7) و تو آرزوی منی، (8) به این دلیل است که تو دیگران را از دلم

ص: 8

1- «إِلَهِي تَرَدُّدِي فِي الْأَثَارِ يُوجِبُ بَعْدَ الْمَزَارِ فَاجْمَعْنِي عَلَيْكَ بِخِدْمَةٍ تُوصِي لِنِي إِلَيْكَ كَيْفَ يَسُدُّ تَدَلُّ عَلَيْكَ بِمَا هُوَ فِي وُجُودِهِ مُفْتَعِرٌ إِلَيْكَ أَيْ يَكُونُ لِعَيْبِكَ مِنَ الظُّهُورِ مَا لَيْسَ لَكَ حَتَّى يَكُونَ هُوَ الْمُظْهِرُ لَكَ مَتَى غَبَّتْ حَتَّى تَحْتَاجَ إِلَى دَلِيلٍ يَدُلُّ عَلَيْكَ وَ مَتَى بَعُدَتْ حَتَّى تَكُونَ الْأَثَارُ هِيَ الَّتِي تُوصِلُ إِلَيْكَ». مفاتيح الجنان، شیخ عباس قمی، مترجم: موسوی کلانتری دامغانی - بحار الأنوار، ج 95، ص 226.

2- «أَنْتَ الَّذِي أَشْرَقْتَ الْأَنْوَارَ فِي قُلُوبِ أَوْلِيَائِكَ حَتَّى عَرَفُوكَ وَ وَحَدُّوكَ». همان مدرک.

3- «أَنْتَ الَّذِي تَعَرَّفْتَ إِلَيَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ فَرَأَيْتَكَ ظَاهِرًا فِي كُلِّ شَيْءٍ وَأَنْتَ الظَّاهِرُ لِكُلِّ شَيْءٍ». همان مدرک.

4- «إِلَهِي أَمَرْتُ بِالرُّجُوعِ إِلَى الْأَثَارِ». همان مدرک.

5- «كَيْفَ تَخْفَى وَأَنْتَ الظَّاهِرُ أَمْ كَيْفَ تَغِيبُ وَأَنْتَ الرَّقِيبُ الْحَاضِرُ» یعنی «چطور پنهانی با اینکه آشکاری یا چگونه غایبی و تو دیده بان حاضری». همان مدرک.

6- «أَنْتَ الذَّاكِرُ قَبْلَ الذَّاكِرِينَ وَأَنْتَ الْبَادِي بِالْإِحْسَانِ قَبْلَ تَوَجُّهِ الْعَابِدِينَ وَأَنْتَ الْجَوَادُ بِالْعَطَاءِ قَبْلَ طَلَبِ الطَّالِبِينَ» یعنی «تو قبل از یاد کردن ذاکرین، یاد آنها هستی. و قبل از توجه عابدان، آغاز به احسان نموده ای. و قبل از درخواست طالبان، بخشنده عطائی». همان مدرک.

7- «إِنِّي كُنْتُ مِنَ الرَّاعِبِينَ» یعنی «من از مشتاقان تو می باشم». مفاتيح الجنان، شیخ عباس قمی مترجم موسوی کلانتری دامغانی - البلد الأمين، ص 256.

8- «أَنْتَ أَمَلِي» یعنی «تو آرزوی منی». مفاتيح الجنان، شیخ عباس قمی مترجم موسوی کلانتری دامغانی - بحار الأنوار، ج 95، ص 226.

بر طرف ساختی که فقط تو را بخوام (1) و من راهی برای رسیدن به این آرزو ندارم، جز اینکه از خودت بخوام (2) لذا تدبیر خودم را هم، چاره ساز نمی دانم. (3)

آیا معرفت و عرفانی به حق تعالی از این بالاتر وجود دارد؟

شناخت از طریق عملکرد امام حسین (علیه السلام)

راهی دیگر که ما را به درجه عرفان امام (علیه السلام) رهنمون می سازد، راه عملی ایشان است؛ یعنی حضرتش فقط شعار نمی دهد و در عمل، مانند بعضی عارف نماها نیست که فقط با عزلت نشینی و یک سری سخنان زیبا، بر زبان جاری ساختن، دم از خدا و دین بزند: «كُونُوا دُعَاءَ لِلنَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ». (4) بلکه امام حسین (علیه السلام) برای آگاهی مردم و پا برجا ماندن دین خدا، (5) فقط هستی خود را فدا نکرد، که تمام اولاد و اهل بیت و یارانش را نثار حق تعالی نمود، که خود درباره آنان فرمود: «همانا من اصحابی با وفاتر و بهتر از اصحاب خود نمی دانم و اهل بیته از اهل بیت خود، نیکوتر سراغ ندارم». (6) و در آن لحظه هایی هم که خود، به کلی توانایی از بدن مبارکش سلب شده بود و تیر در سینه حضرتش نشسته بود و بی اختیار روی زمین افتاد، فرمود: «رِضًا بِقَضَائِكَ وَ تَسْلِيمًا لِمَرِّكَ وَ لَا مَعْبُودَ سِوَاكَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَعِیْثِينَ». (7)

ص: 9

- 1- «أَنْتَ الَّذِي أَزَلْتِ الْأَعْيَارَ عَنْ قُلُوبِ أَحِبَّائِكَ حَتَّى لَمْ يُحِبُّوا سِوَاكَ» یعنی «تو هستی که دیگران را از دلهای دوستانت برطرف ساختی تا غیر تو را دوست نداشته باشند». همان مدرک.
- 2- «مِنْكَ أَطْلُبُ الْوُصُولَ إِلَيْكَ» یعنی «از خودت رسیدن به حضرتت را می خواهم». همان مدرک.
- 3- «إِلَهِي أَعْنِنِي بِتَدْبِيرِكَ لِي عَنْ تَدْبِيرِي وَ بِاخْتِيَارِكَ عَنِ اخْتِيَارِي» یعنی «خدایا با تدبیر خودت مرا از تدبیر خودم، بی نیاز کن و به اختیار توست، اختیار من». همان مدرک.
- 4- امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «مردم را به دین دعوت کنید، اما نه (فقط) با زبان، با غیر زبان». منظور این است که با عمل خود، مردم را به اسلام دعوت کنید. کافی، ج 3، باب الورع، ص 124، ح 14 برگرفته از حماسه حسینی، شهید مطهری، ج 2، جلسه چهارم، ص 107.
- 5- «إِنْ كَانَ دِينَ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله وسلم) لَمْ يَسْتَقِمِ إِلَّا بِقِتْلِي يَا سَيُوفُ حُدَيْبِي» یعنی «اگر دین جدّم جز با کشته شدن من برپا نمی ماند، ای شمشیرها مرا در بر گیرید». حسین پیشوای انسانها، م - اکبرزاده، ص 135.
- 6- «فَإِنِّي لَا أَعْلَمُ أَحَدًا حَابًا أَوْفَى وَ لَا خَيْرًا مِنْ أَصْحَابِي وَ لَا أَهْلَ بَيْتِ أَبِرٍّ وَ أَوْصَلَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي». بحار الأنوار، ج 44، ص 392 - سخنان برگزیده از برگزیدگان جهان و تاریخ 14 معصوم (علیهم السلام)، سید ابراهیم میانجی، تحت عنوان: ابو عبدالله الحسین الشهید (علیه السلام)، ص 136 - برگرفته از حماسه حسینی، استاد شهید مطهری، ج 3، بخش اول، تحت عنوان: دو چیزی که مایه روشنی چشم اباعبدالله (علیه السلام) بود، ص 61.
- 7- نظیر این عبارت در مقام زخار، ص 463 و مقتل الحسین مقرر، ص 357 ذکر شده است به نقل از حماسه حسینی، شهید مرتضی مطهری، ج 6، بخش دوم، جلسه دوم، ص 157.

واقعاً این درجه از رضایت و تسلیم برخاسته از چه عرفانی است؟!!

انبیاء محو تماشا و ملائک مبهوت شمر سرشار تمنا و تو سرگرم حضور

راه امام حسین (علیه السلام)، راه دل است

این چه معرفت و عرفانی است که باعث هدایت و شناخت انسان ها در همه زمان ها گردید؟ معنویت و عرفان عرفا حداکثر موجب نجات خودشان و انسان های هم عصرشان است و بعد از آنها فوqش، فقط دستور العملی از ایشان در کتاب ها باقی می ماند، که تنها با خواندن آن و بدون راهنمایی مرتبی الهی، افراد به وسیله آن راه به جایی نخواهند برد. اما «إِنَّ الْحُسَيْنَ مِصْبَاحُ الْهُدَى وَ سَفِينَةُ النَّجَاةِ»⁽¹⁾ همان طور که پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: «همانا حسین چراغ هدایت و کشتی نجات است» و هنوز بعد از 1400 سال، نامش و یادش و ذکر مصائبش، آتش به جان ها می زند و شور و عشق می آفریند و انسان ها را به مقصد می رساند.

راه امام حسین (علیه السلام)، راه دل است و از راه دل و شکست و انکسار آن، انسان ها را هدایت می کند و دلی که شکست، جایگاه و تابشگاه نور حسین (علیه السلام) می شود. «فِي قُلُوبٍ مِّنْ وَالَاءِ قَبْرَةٍ»⁽²⁾ و دوستاناران حسین (علیه السلام) هر کدام به اندازه ظرفیت وجودی شان، کمالات حسین (علیه السلام) را دارا می شوند و در وجودشان صفات عالی حضرتش آشکار می گردد. عرفان عملی امام حسین (علیه السلام) فقط باعث نشد که حرّ، ره صد ساله را يك شبه طی کند، بلکه هنوز هم شاگردان مکتبش را يك شبه به وصال محبوب می رساند. اشخاصی امثال رسول تُرك ها را، آدمی قُلدر و لات و لا اُبالی که به فسق و زورگویی شهرت داشت و مأموران کلاتری های تهران از برخورد جدی با او، بیم و هراس داشتند. مکتب و عشق امام حسین (علیه السلام) از چنین انسانی، عارفی ساخت که در عشق حق ذوب گردید و به مرحله ای رسید که بعد

ص: 10

1- . مدینه معاجز الائمة (علیهم السلام)، ج 4، ص 51 برگرفته از سید الشهداء (علیه السلام)، شهید سید عبد الحسین دستغیب 6، مجلس 19، تحت عنوان: کشتی نجات حسین (علیه السلام)، ص 224 - همچنین شبیه این حدیث در بحار الانوار، ج 36، ص 205، ح 8.

2- . زاد المعاد، ج 1، ص 510 برگرفته از سید الشهداء (علیه السلام)، شهید سید عبد الحسین دستغیب 6، مجلس 3، تحت عنوان: راه حسین (علیه السلام) راه دل است، ص 28.

از مرگش، در خواب دیدند که حضرت زینب (سلام الله علیها) به تشییع جنازه اش آمده و فرمودند: «این جنازه متعلق به ماست، ما خودمان باید او را تشییع کنیم» (1).

حضرت ابراهیم (علیه السلام) خلیل و دوست خداست و خداوند برای امتحان او، دستور ذبح کردن اسماعیلش را داد، ولی او در عالم واقع، از انجام این عمل معاف گردید. اما امام حسین (علیه السلام) نه تنها اسماعیلش، بلکه تمام هست و نیستش را در راه دوست و در عالم واقع، فدا نمود و قربانی کرد. خدا هم اثر کار امام حسین (علیه السلام) و محبت ایشان را در دنیا و آخرت بزرگ گرداند. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: «إِنَّ لِلْحُسَيْنِ مُحَبَّةً مَكْنُونَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ» (2) یعنی «برای حسین (علیه السلام) در دل های مؤمنین، دوستی نهفته است».

در صحرای محشر، عده ای در جوار امام حسین (علیه السلام) زیر سایه عرش رحمتند و به قدری محبت حضرتش دلشان را پُر کرده است و از هم جواری با ایشان لذت می برند که وقتی حوریان از بهشت، برایشان پیغام می فرستند که ما منتظر شما هستیم، چرا نمی آید؟ می گویند: ما لذت مجالست و مصاحبت با امام حسین (علیه السلام) را به شما ترجیح می دهیم (3) و همچنین خداوند باب الحسین (علیه السلام) (4) را «رحمة الواسعة» قرار داده (5) به قول شیخ شوشتری 6 در مقدمه

ص: 11

- 1- . برگرفته از رسول ترک آزاد شده امام حسین (علیه السلام)، محمد حسن سیف اللهی، ص 178.
- 2- . سید الشهداء (علیه السلام)، شهید سید عبد الحسین دستغیب 6، مجلس 14، تحت عنوان: دوستی نهفته در دل مومن، ص 161- حماسه حسینی، شهید مرتضی مطهری 6، ج 3، بخش چهارم، تحت عنوان: یادداشت عنصر امر به معروف در نهضت حسینی، ص 247- ضمناً حدیثی شبیه به حدیث فوق نیز در روایات آمده که پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: «إِنَّ لِلْحُسَيْنِ فِي بَوَاطِنِ الْمُؤْمِنِينَ مَعْرِفَةً مَكْنُونَةً» یعنی «مؤمنین در باطن یک معرفت مخصوصی نسبت به حسین دارند». بحار الأنوار، ج 43، ص 272.
- 3- . امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «هُمْ حُدَاثُ الْحُسَيْنِ (علیه السلام) - تَحْتَ الْعَرْشِ وَفِي ظِلِّ الْعَرْشِ - لَا يَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ قَالُ لَهُمْ اذْخُلُوا الْجَنَّةَ - فَيَأْتُونَ وَيَخْتَارُونَ مَجْلِسَهُ وَحَدِيثَهُ - وَإِنَّ الْحُورَ لَتُرْسِلُ إِلَيْهِمْ إِنَّا قَدْ إِشْتَقْنَاكُمْ - مَعَ الْوَلَدَانِ الْمُخَلَّدَيْنِ فَمَا يَرَفَعُونَ رُءُوسَهُمْ إِلَيْهِمْ» یعنی «آنان در زیر سایه عرش با امام حسین (علیه السلام) گفتگو می کنند و از بدی حساب خوفی ندارند. به ایشان گفته می شود: داخل بهشت شوید، ولی نمی پذیرند، بلکه مجلس سخن گفتن با امام حسین (علیه السلام) را انتخاب می کنند. حور العین نزد آنان فرستاده می شوند و به ایشان می گویند: ما و این غلمان بهشتی مشتاق شما می باشیم. ولی آنان برای آن سرور و کرامتی که در مجلس امام حسین (علیه السلام) می بینند سر بسوی حور العین بلند نمی کنند». بحار الأنوار، ج 45، ص 207، ح 13 برگرفته از سید الشهداء (علیه السلام)، شهید سید عبد الحسین دستغیب 6، مجلس 20، تحت عنوان: جوار حسین بهتر از بهشت، ص 245.
- 4- . خدای بزرگ از بهشت دری را به نام باب الحسین به طور مستقل به امام حسین (علیه السلام) عطا نموده که بزرگ ترین درهای بهشت است. برگرفته از ترجمه خصائص الحسینه، آیت الله شیخ جعفر شوشتری 6، مترجم: خلیل الله فاضلی، عنوان چهارم، بخش ششم (بهشت)، ص 90.
- 5- . در کامل الزیارات، جعفر بن محمد بن قولویه، مترجم: سید محمد جواد ذهنی تهرانی، باب 21، ص 205، ح 1 چنین آمده که امام صادق (علیه السلام) فرمود: خدا در مورد امام حسین (علیه السلام) خطاب به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: «بُورِكَ مِنْ مَوْلُودِ عَلَيْهِ بَرَكَاتِي وَصَلَوَاتِي وَرَحْمَتِي وَرِضْوَانِي» یعنی «برکت حاصل می شود از مولودی که بر او برکات و رحمت و رضوان من می

باشد». همچنین طبق آیه 107 سوره انبیاء پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) «رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» است و در الإرشاد، ج 2، ص 127 پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: «حُسَيْنٌ مِنِّي وَ أَنَا مِنْ حُسَيْنٍ» یعنی «حسین از من است و من از حسین». پس امام حسین نیز رحمة للعالمین می باشد. برگرفته از ترجمه خصائص الحسینه، آیت الله شیخ جعفر شوشتری 6، مترجم: خلیل الله فاضلی، عنوان چهارم، بخش اول، بند الف: الطاف خاص خداوند به امام حسین (علیه السلام)، قسمت اول، ص 75 و عنوان پنجم، حسین (علیه السلام) مظهر الطاف خاص، توضیح دوم، ص 118. ← ← همچنین در الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج 2، ص 493 و مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، زیارت آل یس نیز آمده که امام زمان (علیه السلام) در توقیع خود به محمّد بن عبد الله بن جعفر حمیری فرمودند: در زیارت ما بگوئید: «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمُنْصُوبُ وَ الْعِلْمُ الْمَصْصُوبُ وَ الْغَوْثُ وَ الرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ» یعنی «سلام بر تو باد! ای نشانه منصوب و ای علم مصبوب، و یاری و رحمت واسعه» و از آنجا که در بحار الأنوار، ج 26، ص 16 امام سجاد (علیه السلام) نیز فرمودند: «كُلُّنَا وَاحِدٌ مِنْ نُورٍ وَاحِدٍ» یعنی «همه ما یکی هستیم از یک نور واحد». بنابراین امام حسین (علیه السلام) نیز مانند تمامی ائمة معصومین (علیهم السلام)، رحمه واسعه است. اما به گفته خود معصومین (علیهم السلام)، باب الحسین (علیه السلام) وسیعتر و سریعتر است. چون امام رضا (علیه السلام) فرمودند: «كُلُّنَا سَفُنُ النَّجَاةِ وَ لَكِنْ سَفِينَةُ الْحُسَيْنِ أَوْسَعُ وَ أَسْرَعُ» یعنی «همه ما کشتی نجاتیم اما کشتی حسین وسیعتر و سریعتر است». بحار الانوار، ج 93، ص 294.

خصائصش، حساب که می کنیم، می بینیم در طول زندگی مثل يك تاجر ورشکسته، سرمایه عمر را بر باد داده ایم و چه رنج ها بردیم. ولی در این مدت، ایمان و عمل صالحی که قابل قبول حضرت حق تعالی باشد، نداریم که با خود ببریم. چرا که از آثار ایمان، توکل به خدا و خوف و رجا فقط نسبت به پروردگار عالم و صبر و رضا و تسلیم امر خدا بودن است. آیا از این آثار بهره ای داریم؟! و در باب عمل هم، اخلاص شرط قبولی است. از کجا معلوم که اعمالمان خالص بوده و موانع قبولی نداشته باشد. و همچنین شرایط شیعیان علی (علیه السلام) (1) را هم که در خود سراغ نداریم و حتی آثار شیعه بودن نیز در سیمای ما هویدا نیست. (2) شرایط شیعه بودن زیاد است ولی باب حسین (علیه السلام) وسیع تر است. شیعه علی (علیه السلام) شدن، سخت است و خیلی باید رنج برد، اما دوستدار و عزادار حسین (علیه السلام) بودن و گریه بر او، آسان است و شرط زیادی نمی خواهد و رقت قلب و شکستگی دل کافی است. (3) در روایت است: «هر گاه خداوند به بنده ای، اراده خیر کند، مهر امام حسین (علیه السلام) را در دلش جا می دهد». (4)

ان شاء الله که اگر از هر بابی از ابواب بهشت، به خاطر کوتاهی هایمان باز بمانیم، خداوند امید ما را از باب الحسین (علیه السلام) قطع نگرداند، چون این باب به قدری وسیع است که امثال همچو منی نیز که گنهکار و روسیاه درگاه الهی هستیم، به آن طمع داریم.

الهی جز مهر حسین (علیه السلام) هر آنچه باشد بدلم خون ساز و ز راه دیده ام بیرون ساز

ص: 12

- 1- . رجوع شود به خطبه همام (متقین). حضرت در این خطبه، صفات متقین را بیان فرمودند. نهج البلاغه، مترجم: مصطفی زمانی، ص 462 تا 469.
- 2- . امیر المؤمنین (علیه السلام) در مورد خصوصیات چهره شیعه واقعی فرمودند: «صَفَرُ الْوُجُوهِ مِنَ السَّهْرِ عُمَسُ الْعُيُونِ مِنَ الْبُكَاءِ حُدْبُ الظُّهُورِ مِنَ الْقِيَامِ خُمْصُ الْبُطُونِ مِنَ الصِّيَامِ دُبْلُ الشَّفَاهِ مِنَ الدُّعَاءِ عَلَيْهِمْ غَبْرَةُ الْأَحَاشِ عَيْنِ» یعنی «از بیداری شب صورت هایشان زرد، چشمانشان از زیادی گریه تار، پشت هایشان از ایستادن به درگاه خدا خمیده شده، شکم ها به علت روزه گرفتن خالی است، لب ها از بسیاری دعا خشک شده، بر ایشان رنگ خاشعان است». بحار الأنوار، ج 74، ص 405، ح 30 برگرفته از سید الشهداء (علیه السلام)، شهید سید عبد الحسین دستغیب 6، مجلس 19، تحت عنوان: نشانه های شیعه علی را در خود نمی بینم، ص 223.
- 3- . برگرفته از سید الشهداء (علیه السلام)، شهید سید عبد الحسین دستغیب 6، مجلس 19، تحت عنوان: کلمات شوشتری در مقدمه خصائص، ص 220 تا 225.
- 4- . امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِهِ الْخَيْرَ قَدَفَ فِي قَلْبِهِ حُبَّ الْحُسَيْنِ (علیه السلام) وَ حُبَّ زِيَارَتِهِ وَ مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِهِ الشُّوَاءَ قَدَفَ فِي قَلْبِهِ بُغْضَ الْحُسَيْنِ (علیه السلام) وَ بُغْضَ زِيَارَتِهِ». بحار الأنوار، ج 98، ص 76، ح 28 « برگرفته از سید الشهداء (علیه السلام)، شهید سید عبد الحسین دستغیب 6، مجلس 13، تحت عنوان: خیر بنده و آشنایی به حسین (علیه السلام)، ص 148.

دشمنان (و بعضی دوستان جاهل) مطرح می کنند که اگر شهادت بابی است که خدا فقط برای خاصان از اولیا خود گشوده است و بالاترین خیری است که بالاتر از آن خیری نیست و شهید متنعّم به ارزشمندترین نعم الهی است، پس چرا این همه در شهادت امام حسین (علیه السلام) و یاران و اهل بیتش گریه و عزاداری می کنید؟!

افرادی نیز نظیر «محمد مسعود» مدعی هستند که روش مسیحیان بر روش ما ترجیح دارد که شهادت و فداکاری حضرت مسیح (علیه السلام) را جشن می گیرند. ولی ما شهادت امام حسین (علیه السلام) را عزاداری می کنیم. و بعد نتیجه می گیرد که آنها شهادت را موفقیت و ما شکست می دانیم.

اینها اشتباه می کنند، چون نمی دانند که:

اولاً- مسیحیت که جشن می گیرد، چون مسئله را از نظر شخصی مورد مطالعه قرار می دهد، ولی اسلام از نظر اجتماع. بله، از نظر شخصی ما هم شهادت را برای شهید، فوز و موفقیت می دانیم و قرآن کریم می فرماید: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (1) اما اجتماع با از دست دادن امام حسین (علیه السلام) و نخبگان اطراف و یارانش، دچار چه فاجعه ای شد؟! امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «إِذَا مَاتَ الْمُؤْمِنُ الْفَقِيهُ تُلِمَ فِي الْإِسْلَامِ ثَلَمَةٌ لَا يَسُدُّهَا شَيْءٌ» (2) یعنی «چون مؤمن عالمی بمیرد، رخنه ای در اسلام می افتد که چیزی آن را جبران نمی کند». حال اگر این مؤمن عالم، امام معصوم باشد، جامعه از فقدان او دچار چه ضرر و خسروانی می شود؟!

ثانیاً- نصاری جشن می گیرند، چون فکر می کنند حضرت عیسی (علیه السلام) به دار زده شد و کشته شد و در همان وقت - نعوذ باللّه - به جهنم رفت و سه شبانه روز در آتش ماند تا پیروانش به دوزخ نروند. و لذا هیچ مسیحی به دوزخ

ص: 13

1- «هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مرده اند! بلکه آنان زنده اند، و نزد پروردگارش روزی داده می شوند». سوره آل عمران، آیه 169.

2- الکافی، ج 1، باب فقد العلماء، ص 46، ح 2.

نمی رود، چون يك نوع اتحادی با حضرت مسیح (علیه السلام) پیدا نموده اند. لذا «أَبْنَاءُ اللَّهِ» یعنی پسران خدا و «أَحِبَّاءُ اللَّهِ»، یعنی دوستان خدا هستند. (1) پس آنها شهادت مسیح (علیه السلام) را فدای گناهان می دانند و جشن می گیرند که عیسی (علیه السلام) کشته شد و با کشته شدن او از زیر بار سنگین گناه در آمدیم. (2) اما مسلمان واقعی نمی تواند چنین فکری داشته باشد. (3) چون قرآن و بزرگان دین به ما آموخته اند که هر فردی در گرو عمل خود می باشد؛ برای نمونه، ابن شهر آشوب به اسناد خود از طاوس فقیه می گوید که به امام سجاد (علیه السلام) به هنگام مناجاتش با خدا گفتم: «ای فرزند رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) این جزع و فزع چیست؟! پدرت حسین بن علی (علیه السلام) است. مادرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) است. جدت رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) است. حضرت به من نگریست و گفت: طاوس! هیهات، هیهات از پدر و مادرم مگو! "خَلَقَ اللَّهُ الْجَنَّةَ لِمَنْ أَطَاعَهُ وَ أَحْسَنَ وَ لَوْ كَانَ عَبْدًا حَبَشِيًّا وَ خَلَقَ النَّارَ لِمَنْ عَصَاهُ وَ لَوْ كَانَ وَلَدًا قُرَشِيًّا". خدا بهشت را برای فرمانبرداران و نیکوکاران آفریده، اگر چه بنده حبشی باشد. و آتش را برای کسی که او را نافرمانی کند، آفریده هر چند سید قریش باشد. مگر کلام خدا را نشنیده ای که فرمود: "فَإِذَا نَفَخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَ لَا يَتَسَاءَلُونَ" (4) و به خدا فردا جز عمل صالح چیزی تو را سود ندارد». (5)

همچنین قرآن و سنت و عقل نیز دلالت بر درستی عمل ما (عزاداری و گریه) دارند.

ص: 14

1- . «وَ قَالَتِ الْيَهُودُ وَ النَّصَارَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَ أَحِبَّاءُهُ». سوره مائده، آیه 18.

2- . رجوع شود به تفسیرالمیزان، علامه سید محمد حسین طباطبایی 6، ج 3، ص 320، مبحث: الْمَسِيحُ مِنَ الشُّفَعَاءِ عِنْدَ اللَّهِ وَ لَيْسَ بِفَادٍ، ذیل آیه 80 سوره آل عمران و ترجمه عبد الکریم نیری بروجردی، ج 6، ص 166، مبحث: خاتمه، فصل 5 (مسیح یکی از شفیعان نزد خدا است، نه خون بهای گناهکاران) و تفسیر نمونه، ج 1، ص 425، مبحث: دو اصل مهم تربیتی، ذیل آیه 119 سوره بقره برگرفته از حماسه حسینی، شهید مرتضی مطهری 6، ج 3، بخش سوم، تحت عنوان: امام حسین (علیه السلام) و عیسی مسیح (علیه السلام)، ص 237.

3- . برگرفته از حماسه حسینی، شهید مرتضی مطهری 6، ج 3، بخش هفتم، تحت عنوان: یادداشت حماسه حسینی، ص 317 و سید الشهداء (علیه السلام)، شهید سید عبد الحسین دستغیب 6، مجلس 15، تحت عنوان: قیام حسین (علیه السلام) و برداشت افراد از آن، ص 162 و 163.

4- . «هنگامی که در صور دمیده شود میان آنان پیوندی نباشد و (حال) یکدیگر را نپرسند». سوره مؤمنون، آیه 101.

5- . بحار الأنوار، ج 46، ص 82، ح 75 و المناقب، ج 4، ص 15 برگرفته از زندگانی علی بن الحسین (علیه السلام)، تحت عنوان: گفتگوی طاوس یمانی با امام، ص 140.

بر حسب فطرت، هر بشر عاقلی، منعم دوست است؛ یعنی اگر کسی به او انعامی کرد، به او علاقه مند می گردد و اگر انسان رشد عقلی یافت، می فهمد که همه چیزش از خداست. «وَمَا بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ» (1) لذا خدا محبوبش می گردد: «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ» (2) و مُحِبٌّ - اگر محبتش صادقانه باشد و بخواهد محبوب هم او را دوست داشته باشد و از او راضی باشد، از محبوب اطاعت می کند و مطیعش می گردد. (3) پس اگر محبوب بفرماید: «اگر مرا دوست دارید از رسولم پیروی کنید» (4) و او را اسوة خود قرار دهید (5)، اطاعت می کند. لذا بدین دلیل روئے رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) سنت است و همه مسلمانان باید او را اسوة خود قرار دهند و به ایشان اقتدا کنند.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) در چندین مورد عزای امام حسین (علیه السلام) را برپا نمود و حتی مواردی که حضرتش در خانه فاطمه (سلام الله علیها)، ام سلمه (سلام الله علیها) و عائشه و در مسجد و مجمع اصحاب عزاداری کرده است، از طریق اهل تسنن به طور متعدد روایت شده است. در کتاب «سیرتنا و سنتنا» مرحوم امینی، حدیثی را نقل کرده است که مضمون آن چنین است: رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) در خانه ام سلمه استراحت فرموده بود. حسین (علیه السلام) آمد. ام سلمه جلوی آقا زاده را گرفت و گفت: «جَدَّتْ خَوَائِدُ اسْت». حسین (علیه السلام) اعتنا نکرد، به سمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) رفت و روی سینه پیغمبر نشست. ام سلمه منتظر است چه زمانی پیغمبر بر می خیزد. ناگهان صدای گریه رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) را شنید. پیش خود گمان کرد که رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) چون حسین (علیه السلام) بی موقع آمده، ناراحت شده است. عذر خواست که یا رسول الله من جلوی او را گرفتم اما نتوانستم او را باز دارم. رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: ام سلمه من گریه نمی کنم که چرا حسین آمده، گریه ام برای این است که «جَبْرَيْلُ يُخْبِرُنِي أَنَّ هَذَا مَقْتُولٌ وَ هَذِهِ التُّرْبَةُ الَّتِي يُقْتَلُ عَلَيْهَا فَضَعِيهِ عِنْدَكَ فَإِذَا صَارَتْ

ص: 15

1- . سوره نحل، آیه 53.

2- . سوره بقره، آیه 165.

3- . به قول شاعر: «لَوْ كَانَ حُبُّكَ صَادِقًا لَأَطَعْتَهُ إِنَّ الْمُحِبَّ لِمَنْ يَحِبُّ مُطِيعٌ». عربی سوم انسانی، ص 69.

4- . «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحِبُّكُمْ اللَّهُ». سوره آل عمران، آیه 31.

5- . «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ». سوره احزاب، آیه 21.

دَمًا فَقَدْ قُتِلَ حَبِيبِي» جبرئیل گزارش های او را برایم نقل کرد. کربلای حسینم را نشانم داد و از خاک قبرش برای من هدیه آورد. اینک در دست من است. آن را نگهدار هر وقت دیدی خون شده، بدان حسین کشته شده است. (1) لذا به حکم قرآن مجید مسلمانان باید به رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) اقتدا نمایند و عزای امام حسین (علیه السلام) را برپا کنند. (2)

گریه انبیا و معصومین (علیهم السلام) و همه موجودات برای امام حسین (علیه السلام)

فقط رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) برای فرزندش حسین (علیه السلام) گریه نکرد، بلکه حضرت زهرا (سلام الله علیها) و ائمه معصومین (علیهم السلام) و انبیا دیگر (علیهم السلام) و اولیاء خدا و ملائک و همه موجودات عالم برای حضرتش متأثر شده و عزاداری نموده اند.

حضرت زهرا (سلام الله علیها)

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «چون فاطمه (سلام الله علیها) به حسین (علیه السلام) باردار شد، جبرئیل نزد پیغمبر (صلی الله علیه و آله وسلم) آمد و عرض کرد: همانا فاطمه (سلام الله علیها) پسری به دنیا خواهد آورد که امت او را بعد از تو می کشند. (پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) این خبر را به حضرت فاطمه (سلام الله علیها) داد) و لذا چون فاطمه (سلام الله علیها) به حسین (علیه السلام) باردار شد، خوشحال نبود و چون وضع حمل نمود از زاییدنش هم خوشحال نبود ... زیرا دانست که او کشته خواهد شد». (3) یعنی حضرتش به خاطر مصائب فرزندش و کشته شدنش محزون و غمگین بود.

همچنین از امام صادق (علیه السلام) است: «فاطمه (سلام الله علیها) را در روز قیامت در قبه ای از نور می نشانند. در این هنگام امام حسین (علیه السلام) به محشر می آید، در حالی که سر بریده اش را به دست می گیرد. فاطمه (سلام الله علیها) از دیدن چنین حالی

ص: 16

1- . بحار الأنوار، ج 44، ص 225، ح 5.

2- . برگرفته از سید الشهداء (علیه السلام)، شهید سید عبدالحسین دستغیب 6، مجلس 11، تحت عنوان: پیغمبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و عزای حسین (علیه السلام)، ص 111 و 112.

3- . در الکافی، ج 2، باب مولد الحسین بن علی (علیهما السلام)، ص 364، ح 3 از امام صادق (علیه السلام) روایت است که: «لَمَّا حَمَلَتْ فَاطِمَةُ (سَلَامَ اللَّهِ عَلَيْهَا) بِالْحُسَيْنِ جَاءَ جَبْرَائِيلُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فَقَالَ إِنَّ فَاطِمَةَ (سَلَامَ اللَّهِ عَلَيْهَا) سَتَلِدُ غُلَامًا تَقْتُلُهُ أُمَّتُكَ مِنْ بَعْدِكَ فَلَمَّا حَمَلَتْ فَاطِمَةُ بِالْحُسَيْنِ (سَلَامَ اللَّهِ عَلَيْهَا) كَرِهَتْ حَمْلَهُ وَحِينَ وَضَعَتْهُ كَرِهَتْ وَضَعَهُ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (سَلَامَ اللَّهِ عَلَيْهَا) لَمْ تُرْفِي الدُّنْيَا أُمَّ تَلِدُ غُلَامًا تَكْرَهُهُ وَكِنَّهَا كَرِهَتْهُ لِمَا عَلِمْتَ أَنَّهُ سَيُقْتَلُ». البته در روایت بعدی، امام صادق (علیه السلام) بعد از اینکه بیان می کند پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) به حضرت فاطمه (سلام الله علیها) خبر کشته شدن فرزندش را داد، می فرماید: «أَنَّ اللَّهَ قَدْ جَعَلَ فِي ذُرِّيَّتِهِ الْإِمَامَةَ وَالْوَلَايَةَ وَالْوَصِيَّةَ فَأَرْسَلَتْ إِلَيْهِ أَنِّي قَدْ رَضِيْتُ» یعنی «پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) به حضرت فاطمه (سلام الله علیها) فرمود: خدا امامت و ولایت و وصیت را در ذریه او قرار داده. حضرت فاطمه (سلام الله علیها) هم فرمود: که من راضی گشتم». الکافی، ج 2، ص 365، ح 4.

صیحه می کشد و می افتد و تمام پیامبران و خلائق دیگر، از دیدن چنین وضعی به گریه می افتند. سپس قاتلان امام حسین (علیه السلام) حاضر شده و محاکمه می گردند و آن گاه به کیفر شدیدی می رسند»⁽¹⁾.

انمه هدی (علیهم السلام)

اشاره

انمه اطهار (علیهم السلام) همگی به زنده نگه داشتن و احیای خاطرة عاشورا توصیه و تأکید نموده و خود نیز عامل به این سنت پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) بوده اند، از جمله:

حضرت علی (علیه السلام):

از ابن عباس روایت شده که در ذیقار خدمت امیرالمؤمنین (علیه السلام) رسیدم. صحیفه ای بیرون آورد، به خط خود و املاى پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و برای من از آن برای من خواند. در آن صحیفه، مقتل امام حسین (علیه السلام) بود و آن که چگونه کشته می شود و چه کسی او را می کشد و چه کسی او را یاری می کند و چه کسی با او شهید می شود. پس آن حضرت گریه سختی کرد و مرا به گریه آورد»⁽²⁾.

همچنین نقل شده: روزی امیرالمؤمنین (علیه السلام) عباس (علیه السلام) را که کودکی خردسال بود، در آغوش گرفت و در حالی که بر اثر شدت ناراحتی قطره های اشک از دیدگانش می ریخت، بازوهای عباس (علیه السلام) را بوسید. ام البنین (سلام الله علیها) که آن صحفه را دید، نگران شد و از علی (علیه السلام) پرسید: «چرا گریه می کنی؟» حضرت فرمودند: «دست های این کودک را دیدم و آنچه را که در آینده به آنها می رسد به خاطر آوردم. از این رو متاثر شدم». ام البنین (سلام الله علیها) با اضطراب پرسید: مگر دست های او چه می شوند؟ علی (علیه السلام) فرمود: قطع می شوند. سپس با اندوه دردناکی چند بار فرمود: «مگر با یزید چه کرده ام؟!» ام البنین (سلام الله علیها) که با شنیدن این سخن، اشک اندوه می ریخت، پرسید: «چرا دست های

ص: 17

1- «إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ نُصِبَ لِفَاطِمَةَ (سلام الله علیها) قُبَّةٌ مِنْ نُورٍ وَأَقْبَلَ الْحُسَيْنُ (علیه السلام) رَأْسَهُ عَلَى يَدِهِ - فَإِذَا رَأَتْهُ شَهَقَتْ شَهْقَةً لَا يَبْقَى فِي الْجَمْعِ مَلَكَ مُقَرَّبٌ وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ - وَلَا عَبْدٌ مُؤْمِنٌ إِلَّا بَكَى لَهَا». ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص 216 برگرفته از تحلیل سیره فاطمه زهرا (سلام الله علیها)، علی اکبر بابازاده، ص 268.

2- . مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، اعمال روز عاشورا، ص 477- همچنین ابن عباس می گوید: «كُنْتُ مَعَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام) فِي خَرْجَتِهِ إِلَى صَفِّينَ فَلَمَّا نَزَلَ بِنِينَوَى وَهُوَ شَطُّ الْفُرَاتِ قَالَ بِأَعْلَى صَوْتِهِ يَا ابْنَ عَبَّاسٍ أَتَعْرِفُ هَذَا الْمَوْضِعَ قَالَ قُلْتُ مَا أَعْرِفُهُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ لَوْ عَرَفْتَهُ كَمَعْرِفَتِي لَمْ تَكُنْ تَجُوزُهُ حَتَّى تَبْكِيَ كَبْكَايَ قَالَ فَبَكَى طَوِيلًا حَتَّى اخْضَلَّتْ لِحْيَتُهُ وَسَالَتِ الدَّمُوعُ عَلَى صَدْرِهِ وَ بَكَيْنَا مَعَهُ» یعنی «من در سفر امیر المؤمنین (علیه السلام) به صفین همراه او بودم و چون به نینوا که بر کنار شط فرات است فرود آمد به آواز بلند فرمود: ای ابن عباس! آیا اینجا را می شناسی؟ گفتم: ای امیر المؤمنین نمی شناسم، فرمود: اگر مثل من آن را می شناختی از آن عبور نمی کردی، تا آنکه مثل من سرشک از دیده می باریدی. ابن عباس می گوید: آنگاه گریست و اشک از دیدگان بر محاسن و از محاسن بر روی سینه اش جاری شد و ما هم به همراه او می گریستیم». کمال الدین و تمام النعمة، ج 2، ص 532 و 534، ح 1.

عباس قطع می شوند؟» حضرت ماجرای کربلا را برایش شرح داد. ام البنین (سلام الله علیها) به سبب آن مصائب جان‌گذاری که به خاندان نبوت وارد می شود متقلب شده و سخت‌گریست و سپس با نیروی صبر و شکر خود را آرام نمود و خدا را به علت اینکه فرزندش فدای امام حسین (علیه السلام) می‌گردد، سپاس‌گزاری نمود. (1)

امام سجاد (علیه السلام):

امام سجاد (علیه السلام) علاوه بر اینکه خود برای قضایای کربلا بسیار گریه می‌کرد، (2) از کسانی نیز بود که بعد از شهادت پدر گرامی‌اش بارها منبر رفته و مصیبت پدرش را بازگو کرده و مردم را به گریه درآورده است. روزی در حضور یزید - لعنت الله علیه - به منبر رفت و فرمود: «من پسر آنم که تشنه جان داد و تن او به خاک کربلا افتاد. عمامه و ردای او را ربودند، در حالی که فرشتگان آسمان در گریه بودند. جتیان در زمین و پرندگان در هوا، سیلاب از دیده‌اش گشودند. من پسر آنم که سرش را به نیزه نشانند و زنان او را از عراق به شام به اسیری بردند یزید! محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) جدّ توست یا جدّ من؟ اگر گویی جدّ توست، دروغ گفته‌ای و اگر گویی جدّ من است، چرا پدرم را کشتی و زنان او را اسیر گرفتی؟ سپس فرمود: مردم! آیا میان شما کسی هست که پدر و جدش رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) باشد؟! و به يك بار شیون از مردم برخاست». (3)

امام صادق (علیه السلام):

امام صادق (علیه السلام) علاوه بر اینکه خود بر امام حسین گریه می‌کردند، (4) گریه‌کنندگان بر امام حسین (علیه السلام) را نیز بسیار دعا نموده‌اند. معاویه بن وهب می‌گوید به خانه امام صادق (علیه السلام) رفتم. حضرت در سجده بود و دعا می‌کرد تا رسید به این جا که فرمود: «فَارْحَمَ تِلْكَ الْوُجُوهُ الَّتِي قَدْ غَيَّرَتْهَا الشَّمْسُ وَازْحَمَ تِلْكَ الْخُدُودَ الَّتِي

ص: 18

1- . برگرفته از پرچمدار نینوا، محمد محمد اشتهااردی، فصل اول، تحت عنوان: بوسیدن دست‌های عباس (علیه السلام) و گریه جانشینان حضرت علی (علیه السلام)، ص 36 و 37 به نقل از العباس بن علی (علیه السلام)، باقر شریف قرشی، طبق نقل کتاب چهره درخشان قمر بنی هاشم (علیه السلام)، ج 1، ص 140 و 141.

2- . امام سجاد (علیه السلام) در مورد قضیه کربلا فرمودند: «فَخَنَقْتَنِي الْعَبْرَةُ» یعنی «گریه راه‌گلو می‌مرا مسدود نمود». بحار الأنوار، ج 45، ص 2 برگرفته از زندگانی علی بن الحسین (علیه السلام)، سید جعفر شهیدی، ص 50.

3- . «أنا ابن العطشان حتى قضى أنا ابن طريح كربلاء أنا ابن مسلوب العمامة والرداء أنا ابن من بكت عليه ملائكة السماء أنا ابن من ناحت عليه الجن في الأرض والطير في الهواء أنا ابن من رأسه على السنن يهدى أنا ابن من حرمه من العراق إلى الشام يا يزيد هذا جدى أو جدك فإن قلت جدك فقد كذبت وإن قلت جدى فلم قلت أبى و سببت حرمه و سببتي ثم قال معاشر الناس هل فيكم من أبوه و جده رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم)؟! فعلت الأصوات بالبكاء». المناقب، ج 4، ص 168. برگرفته از زندگانی علی بن الحسین (علیه السلام)، سید جعفر شهیدی، ص 75.

4- . دادود رقی می‌گوید در محضر امام صادق (علیه السلام) بودم و دیدم که «فَلَمَّا شَرِبَهُ رَأَيْتُهُ قَدِ اسْتَعْبَرَ وَ اغْرُورَقَتْ عَيْنَاهُ بِدُمُوعِهِ» یعنی «زمانی که آب نوشیدن در ایشان حالت گریه پیدا شد و دو چشم آن حضرت غرق اشک شد». برگرفته از کامل الزیارات، جعفر بن محمد بن قولویه، مترجم: سید محمد جواد ذهنی تهرانی، باب 34، ص 347، ح 1.

تَقَلَّبْتُ عَلَى حُفْرَةِ أَبِي عَبَّادِ اللَّهِ وَ أَزْحَمْتُ تِلْكَ الْأَعْيُنَ الَّتِي جَرَتْ دُمُوعُهَا رَحْمَةً لَنَا وَ أَزْحَمْتُ تِلْكَ الْقُلُوبَ الَّتِي جَزَعَتْ وَ احْتَرَقَتْ لَنَا وَ أَزْحَمْتُ الصَّرِيخَةَ الَّتِي كَانَتْ لَنَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ تِلْكَ الْأَنْفُسَ وَ تِلْكَ الْأَبْدَانَ حَتَّى تُؤَافِيَهُمْ عَلَى الْحَوْضِ يَوْمَ الْعَطَشِ» یعنی «خدایا رحم کن به صورت هایی که آفتاب آن را دگرگون کرده تا خودش را به قبر حسین (علیه السلام) برساند. خدایا رحم کن به اشک های چشمی که در عزای حسین (علیه السلام) ریخته می شود. خدایا رحم بفرما به ناله ها و صرخه هایی که در مصیبت حسین (علیه السلام) بلند می شود. خدایا من آنان را به تو می سپارم تا بر ما نزد حوض کوثر وارد شوند».(1)

امام کاظم (علیه السلام):

امام کاظم (علیه السلام) نیز در مصیبت جدّ بزرگوار خود محزون می شد و گریه می کرد. امام رضا (علیه السلام) می فرماید: «چون ماه محرم داخل می شد، پدر مرا (امام کاظم (علیه السلام)) کسی خندان نمی دید و اندوه و حزن پیوسته بر او غالب می شد تا روز دهم، چون روز عاشورا می شد، آن روز، روز مصیبت و حزن و گریه او بود و می فرمود: امروز روزی است که حسین (علیه السلام) شهید شده است».(2)

امام رضا (علیه السلام):

امام رضا (علیه السلام) نیز در مصیبت امام حسین اشک می ریخت(3) و می فرمود: «هر که روز عاشورا، روز مصیبت و اندوه و گریه او باشد، حق تعالی روز قیامت را روز فرح و سرور و شادی او گرداند و دیده اش را در بهشت به ما روشن گرداند».(4)

ص: 19

- 1- . الکافی، ج 4، ص 582، ح 11 برگرفته از سید الشهداء (علیه السلام)، شهید سید عبد الحسین دستغیب 6، مجلس 17، تحت عنوان: دعای حضرت صادق (علیه السلام) در سجده، ص 197.
- 2- . «إِذَا دَخَلَ شَهْرُ الْمُحَرَّمِ لَا يَرَى ضَاحِكًا وَ كَانَتْ كَاتِبَةً تَغْلِبُ عَلَيْهِ حَتَّى يَمْضِيَ مِنْهُ عَشْرَةُ أَيَّامٍ فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْعَاشِرِ كَانَ ذَلِكَ الْيَوْمَ يَوْمَ مَصِيبَتِهِ وَ حَزَنِهِ وَ بَكَائِهِ، وَ يَقُولُ هَذَا الْيَوْمَ الَّذِي قُتِلَ فِيهِ الْحُسَيْنُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)». مسند الإمام الرضا (علیه السلام)، ج 2، ص 27، ح 30 برگرفته از مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، مترجم: موسوی کلانتری دامغانی، اعمال روز عاشورا، ص 472.
- 3- . در همان حدیث قبل حضرت می فرماید: «إِنَّ يَوْمَ الْحُسَيْنِ أَقْرَحُ جَفُونِنَا وَ أُسْبَلُ دُمُوعِنَا، وَ أَدْلُ عَزِيزِنَا يَا أَرْضَ كَرْبَلَا أَوْرَثْنَا الْكَرْبَ وَ الْبَلَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلْيَبِكِ الْبَاكُونَ» یعنی «روز حسین (علیه السلام) دیدگان ما را زخم کرد و اشک های ما را جاری ساخت و عزیزان ما را خوار نمود، ای زمین کربلا برای ما محنت و غم و بلا باقی گذاشتی، و تا روز قیامت باید گریه کنندگان بگیرند» و همچنین ایشان مصیبت امام حسین (علیه السلام) را برای دیگران نیز بازگو می نمود و به آنها توصیه می کرد که بر امام حسین (علیه السلام) گریه کنند «يَا ابْنَ شَيْبِ إِنْ كُنْتَ بَاكِيًا لِشَيْءٍ فَإِنَّكَ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَإِنَّهُ ذُبِحَ كَمَا يُذْبَحُ الْكَبِشُ وَ قُتِلَ مَعَهُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ ثَمَانِيَةَ عَشَرَ رَجُلًا مَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ شَيْبُهُونَ وَ لَقَدْ بَكَتِ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَ الْأَرْضُونَ لِقَتْلِهِ إِلَى أَنْ قَالَ يَا ابْنَ شَيْبِ إِنْ بَكَيتَ عَلَيَّ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) حَتَّى تَصِيرَ دُمُوعُكَ عَلَيَّ حَتَّى تَذْبَحَ اللَّهُ لَكَ كُلَّ ذَنْبٍ أَذْبَبْتَهُ صَ غَيْرًا كَانَ أَوْ كَبِيرًا قَلِيلًا كَانَ أَوْ كَثِيرًا» یعنی «ای فرزند شیب اگر می خواهی بر کسی گریه کنی بر حسین بن علی (علیه السلام) گریه کن که او را مانند گوسفند سر بریدند، و هیچده نفر از خاندان او را که مانند آن ها در زمین نبود با وی کشته شدند، آسمان و زمین برای کشته شدن او گریه کردند. ای فرزند شیب اگر گریه کنی بر حسین بن علی (علیه السلام) گریه کن تا اشک های تو بر گونه های او جاری شود، خداوند همه گناهان تو را می آمرزد، بزرگ باشد یا کوچک، اندک باشد یا زیاد». وسائل

الشيعة، ج 14، ص 50، ح 19694.

4- . «مَنْ كَانَ يَوْمَ عَاشُورَاءَ يَوْمَ مُصِيبَتِهِ وَحُزْنِهِ وَبُكَائِهِ جَعَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَوْمَ فَرَجِهِ وَسُرُورِهِ وَقَرَّتْ بِنَا فِي الْجَنَانِ عَيْنُهُ». عيون أخبار الرضا (عليه السلام)، ج 1، ص 299 برگرفته از مفاتيح الجنان، شيخ عباس قمي، مترجم: موسوی کلانتری دامغانی، اعمال روز عاشورا، ص 478.

از قول علما و بزرگان بارها نقل شده که امام زمان عجل الله تعالی فرجه شریف را زیارت کرده اند که در مجالس روضه و عزاداری شرکت نموده و بر مصائب جدّ بزرگوارش گریه کرده است. (1) و همچنین خود حضرتش در زیارت ناحیه مقدسه مصائب سید الشهداء (علیه السلام) را ذکر کرده اند و فرموده اند: «سلام می کنم بر تو، سلام کسی که قلبش از مصیبت تو جریحه دار است و اشکش در یاد تو ریزان است. سلام کسی که آه و ناله اش در فاجعه تو بلند است». (2)

انبیا صلوات الله علیهم اجمعین

حضرت آدم (علیه السلام):

وقتی حضرت آدم (علیه السلام) خواست که توبه اش پذیرفته شود به خمسه طویه تمسک جست و به دشمنانشان لعنت کرد، هنگامی که جبرئیل برایش از مصیبت حسین (علیه السلام) خواند، جبرئیل و حضرت آدم مثل زن جوان مرده گریستند. (3)

حضرت ابراهیم (علیه السلام):

هنگامی که حضرت ابراهیم (علیه السلام) از کشتن حضرت اسماعیل (علیه السلام) معاف شد، در این فکر بود که ای کاش پسرم کشته شده بود و دلم به درد آمده بود تا بیشتر محبت بروز می دادم. خدای متعال به حضرت ابراهیم

ص: 20

- 1- . رجوع شود به کرامات الحسینیة، شیخ علی میرخلف زاده، ج 2، ص 174 و 178 و 191.
- 2- . «سَلَامٌ مَنْ قَلْبُهُ بِمُصَابِكِ مَقْرُوحٌ وَ دَمْعُهُ عِنْدَ ذِكْرِكَ مَسْفُوحٌ سَلَامَ الْمَفْجُوعِ الْمَحْزُونِ الْوَالِي الْمِسْكِينِ». بحار الأنوار، ج 98، ص 238 و ص 320، ح 8. ضمناً در کافی، ج 5، ص 117، ح 1 و وسائل الشیعة، ج 17، ص 125، ح 22156 و بحار الأنوار، ج 46، ص 220، ح 25 چنین روایت شده که امام باقر (علیه السلام) به فرزند خود، امام صادق (علیه السلام) وصیت نمود: «أَوْقَفْ لِي مِنْ مَالِي كَذَا وَ كَذَا- لِنَوَادِبِ تَنْدُبِي عَشْرَ سِنِينَ بِمَنَى أَيَّامٍ مِنِّي» یعنی «از مالم فلان مبلغ را وقف کن تا نوحه سرایان در ایام حج در منی برایم نوحه سرانی کنند». که از این روایت می توان دریافت، به طور کلی عزاداری برای ائمه طاهرین (علیهم السلام) امری ممدوح و پسندیده است.
- 3- . «فَلَقَنَهُ جَبْرَائِيلُ قُلْ يَا حَمِيدُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ يَا عَالِي بِحَقِّ عَلِيٍّ يَا فَاطِرُ بِحَقِّ فَاطِمَةَ يَا مُحْسِنُ بِحَقِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَ مِنْكَ الْإِحْسَانُ فَلَمَّا ذَكَرَ الْحَسَنُ بَيْنَ سَأَلَتْ دُمُوعُهُ وَ انْخَسَعَ قَلْبُهُ وَقَالَ يَا أَخِي جَبْرَائِيلُ فِي ذِكْرِ الْخَامِسِ يَنْكَسِرُ قَلْبِي وَ تَسِيلُ عَبْرَتِي قَالَ جَبْرَائِيلُ يُقْتَلُ عَطْشَانًا [عَطْشَانًا] غَرِيبًا وَ حِيدًا فَرِيدًا لَيْسَ لَهُ نَاصِرٌ وَ لَا مُعِينٌ وَ لَوْ تَرَاهُ يَا آدَمُ وَ هُوَ يَقُولُ وَ اعْطَشَاهُ وَ اقْلَبْهُ نَاصِرًا حَتَّى يَحُولَ الْعَطْشُ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ السَّمَاءِ كَالدُّخَانِ فَلَمْ يُجِبْهُ أَحَدٌ إِلَّا بِالسُّيُوفِ وَ شَرِبَ الْخُتُوفِ فَيَدْبَحُ دَبْحَ الشَّاةِ مِنْ قَفَاهُ وَ يَنْهَبُ رَحْلَهُ أَعْدَاؤُهُ وَ تَشْتَدُّ هَزْزُهُمْ هُمْ هُوَ وَ أَنْصَارُهُ فِي الْبُلْدَانِ وَ مَعَهُمُ السُّوَانُ كَذَلِكَ سَبَقَ فِي عِلْمِ الْوَاحِدِ الْمَنَّانِ فَبَكَى آدَمُ وَ جَبْرَائِيلُ بِكَاءِ التُّكْلَى» یعنی «جبرئیل (علیه السلام) به حضرت آدم (علیه السلام) تعلیم داد تا فرمود: "یا حمید بحق محمد، یا عالی بحق علی، یا فاطر بحق فاطمه، یا محسن بحق الحسن و الحسین و منك الاحسان" هنگامی که نام حسین (علیه السلام) را ذکر نمود اشک هایش جاری و قلب مبارکش شکست. آنگاه به جبرئیل گفت: چرا وقتی نام پنجمی ایشان را ذکر می کنم قلبم می شکند و اشکم جاری می شود؟! جبرئیل گفت: حسین (علیه السلام) در حالی شهید می شود که عطشان، غریب، تنها، بی یاور و بی معین خواهد بود. ای آدم! اگر تو او را می دیدی، می شنیدی که می گفت: آه از عطش! آه از بی یآوری!

کار تشنگی آن حضرت به جایی می‌رسد که آسمان به نظرش مثل دود خواهد آمد. کسی جوابش را نمی‌گوید مگر با شمشیر، تا اینکه جرعه مرگ را بیاشامد. آن حضرت را نظیر گوسفند از قفا سر می‌برند، خیمه هایش را به یغما می‌برند، سر مبارك وی و یارانش را در شهرها می‌گردانند، زن و بچه هایش را به اسیری خواهند برد. در علم خدا این طور سبقت یافته است. سپس حضرت آدم (علیه السلام) و جبرئیل (علیه السلام) نظیر زن جوان مرده گریان شدند». بحار الأنوار، ج 44، ص 245، ح 44 برگرفته از سید الشهداء (علیه السلام)، شهید سید عبدالحسین دستغیب 6، مجلس 12، تحت عنوان: لعن کردن آدم و نوح (علیهما السلام) به قاتلین راه حسین (علیه السلام)، ص 132.

(علیه السلام) وحی نمود که: «بدان جماعتی از امت پیامبر خاتم (صلی الله علیه و آله وسلم) جمع می شوند و در زمینی به نام کربلا آب را بر فرزندش می بندند. آن گاه با لب تشنه او و فرزندانش را می کشند». این روضه دل ابراهیم خلیل (علیه السلام) را آتش

زد. به قسمی که سخت تر از کشته شدن پسرش دلش به درد آمد و شروع به گریه کرد. (1)

همچنین امام صادق (علیه السلام) راجع به قول خداوند عزوجل «فَنظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ» (2) فرمود: «ابراهیم (علیه السلام) [از اوضاع کواکب] فهمید، آنچه را که به حسین (علیه السلام) وارد می شود، سپس گفت: من بیمارم از آنچه به حسین (علیه السلام) وارد می شود». (3)

حضرت خضر و موسی (علیهما السلام):

روایت شده که چون حضرت موسی (علیه السلام) مأمور شد به ملاقات جناب خضر (علیه السلام) و تعلم از او، اول چیزی که در وقت ملاقات بین ایشان مذاکره شد، آن بود که آن عالم (حضرت خضر علیه السلام)، حدیث نمود برای حضرت موسی (علیه السلام) مصائب و بلاهایی را که بر آل محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) وارد می شود. پس هر دوی ایشان سخت گریستند. (4)

همچنین راجع به حضرت عیسی و نوح (علیهما السلام) و سایر پیغمبران (علیهم السلام) نیز کم و بیش روایاتی رسیده است. (5)

ص: 21

1- امام رضا (علیه السلام) فرمودند: «لَمَّا أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِبْرَاهِيمَ أَنْ يَذْبَحَ مَكَانَ ابْنِهِ إِسْمَاعِيلَ الْكَبِشَ الَّذِي أَنْزَلَهُ عَلَيْهِ تَمَّتْ إِبْرَاهِيمُ أَنْ يَكُونَ قَدْ ذَبَحَ ابْنَهُ إِسْمَاعِيلَ بِيَدِهِ وَ أَنَّهُ لَمْ يُؤْمَرْ بِذَبْحِ الْكَبِشِ مَكَانَهُ لِيَرْجِعَ إِلَى قَلْبِهِ مَا يَرْجِعُ إِلَى قَلْبِ الْوَالِدِ الَّذِي يَذْبَحُ أَعَزَّ وُلْدِهِ عَلَيْهِ بِيَدِهِ... قَالَ يَا إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ طَائِفَةً تَزْعُمُ أَنَّهَا مِنْ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ سَيَقْتُلُ الْحُسَيْنَ ابْنَ مِنْ بَعْدِهِ ظُلْمًا وَ عُدْوَانًا كَمَا يَذْبَحُ الْكَبِشَ وَ يَسْتَوْجِبُونَ بِذَلِكَ سَخَطِي فَجَزَعُ إِبْرَاهِيمُ لِذَلِكَ وَ تَوَجَّعَ قَلْبُهُ وَ أَقْبَلَ يَبْكِي». بحار الأنوار، ج 12، ص 125 و 126 برگرفته از سید الشهداء (علیه السلام)، شهید سید عبد الحسين دستغیب 6، مجلس 13، تحت عنوان: ابراهیم خلیل (علیه السلام)، نمونه دوست خدا، ص 146.

2- «ابراهیم نگاهی به ستارگان کرد و گفت من بیمارم». سوره صافات آیه 88 و 89.

3- «إِنِّي سَقِيمٌ قَالَ حَسَبَ فَرَأَى مَا يَحُلُّ بِالْحُسَيْنِ (علیه السلام) فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ لِمَا يَحُلُّ بِالْحُسَيْنِ (علیه السلام)». الكافی، ج 1، ص 465، ح 5.

4- «حَدَّثَهُ الْعَالِمُ بِمَا يُصِيبُ آلَ مُحَمَّدٍ مِنَ الْبَلَاءِ- وَ كَيْدِ الْأَعْدَاءِ حَتَّى اسْتَدَّ بِكَأْوْهُمَا». تفسیر القمی، ج 2، ص 38 و مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، مترجم: موسوی کلانتری دامغانی، اعمال روز عاشورا، ص 477.

5- «أَنَّ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ (علیه السلام) مَرَّ بِأَرْضِ كَرْبَلَاءَ فَرَأَى عِدَّةً مِنَ الطَّبَّاءِ هُنَاكَ مُجْتَمِعَةً فَأَقْبَلَتْ إِلَيْهِ وَ هِيَ تَبْكِي وَ أَنَّهُ جَلَسَ وَ جَلَسَ الْحَوَارِيُّونَ فَبَكَى وَ بَكَى الْحَوَارِيُّونَ وَ هُمْ لَا يَدْرُونَ لِمَ جَلَسَ وَ لِمَ بَكَى فَقَالُوا يَا رُوحَ اللَّهِ وَ كَلِمَتَهُ مَا يُبْكِيكَ قَالَ أَتَعْلَمُونَ أَى أَرْضٍ هَذِهِ قَالُوا لَا قَالَ هَذِهِ أَرْضٌ يُقْتَلُ فِيهَا فَرْخُ الرَّسُولِ أَحْمَدُ وَ فَرْخُ الْحُرَّةِ الطَّاهِرَةِ الْبَتُولِ شَبِيهَةَ أُمِّي وَ يُلْحَدُ فِيهَا هِيَ أَطْيَبُ مِنَ الْمَسْكِ لِأَنَّهَا طِينَةُ الْفَرْخِ الْمُسْتَشْهَدِ» یعنی «عیسی بن مریم به سرزمین کربلا می گذشت و آنجا آهوئی را دید که مجتمع شده اند آنها گریان به نزد او آمدند، عیسی نشست و حواریون نیز نشستند و او گریست و حواریون نیز گریستند در حالی که نمی دانستند که چرا عیسی نشسته و چرا گریه می کند؟ آنها گفتند: ای روح خدا و ای کلمه الله! برای چه گریه می کنید؟ گفت: آیا می دانید که این چه سرزمینی است؟ گفتند: نه، گفت: این سرزمینی است که نونهای احمد رسول و نونهای حرّه طاهره یعنی بتول که شبیه مادرم مریم است در اینجا کشته می شود و در تربتی که به واسطه

طینت آن نونهال شهید از مشک خوشبوتر دفن می شود». کمال الدین و تمام النعمة، ج 2، ص 531 و 534. همچنین پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: جبرئیل برای ساختن کشتی حضرت نوح، يك صد و بیست و نه هزار میخ به حضرت نوح (علیه السلام) داد که پنج میخ از آن به نام پنج تن آل عبا بود. جبرئیل در مورد هر یک از آن پنج میخ، به حضرت نوح (علیه السلام) توضیحاتی داد و در هنگام توضیح مربوط به میخ پنجم «فَذَكَرَ قِصَّةَ الْحُسَيْنِ (علیه السلام) وَ مَا تَعْمَلُ الْأُمَّةُ بِهِ - فَلَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَهُ وَ ظَالِمَهُ وَ خَاذِلَهُ» جریان شهید شدن امام حسین (علیه السلام) را برای نوح (علیه السلام) شرح داد. حضرت نوح (علیه السلام) پس از شنیدن این جریان کشندگان و ظلم کنندگان بر حسین (علیه السلام) و افرادی که آن حضرت را واگذار نمودند، لعنت کرد». بحار الأنوار، ج 44، ص 230، ح 12. برگرفته از سید الشهداء (علیه السلام)، شهید سید عبد الحسین دستغیب 6، مجلس 12، تحت عنوان: لعن کردن آدم و نوح به قاتلین حسین (علیه السلام)، ص 132.

ضمناً در حدیثی که در مبحث حضرت زهرا (سلام الله علیها) بیان گردید نیز، از نظر گذشت که در قیامت تمام پیامبران (علیهم السلام) از دیدن منظره حضور سیدالشهدا (علیه السلام) در صحرای محشر، به گریه می افتند. (1)

ملائکه

علاوه بر فرمایش امام سجاد (علیه السلام) در مقابل یزید که از نظر گذشت، (2) در زیارت ناحیه مقدسه نیز می خوانیم: «السَّلَامُ عَلٰی مَنْ بَكَتُهُ مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ» یعنی «سلام بر کسی که ملائکه آسمان بر او گریستند». (3)

همچنین امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ وَكَلَّ بِالْحُسَيْنِ (علیه السلام) مَلَكَ فِي أَرْبَعَةِ آلَافٍ مَلَكٍ يَبْكُونَهُ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِرُؤُوسِهِ وَيَدْعُونَ اللَّهَ لَهُمْ» (4) یعنی «خداوند متعال فرشته‌ای را در میان چهار هزار فرشته دیگر بر حسین (علیه السلام) موکل قرار داد، این فرشتگان جملگی بر آن حضرت گریسته و برای زائران آن جناب طلب آمرزش کرده و دعا می نمایند».

اولیاء خدا و بزرگان غیر معصوم علیهم السلام

در این باره مطلب بسیار فراوان است، خصوصاً مربوط به حضرت زینب و دختران امام حسین (علیه السلام) حضرت رقیه و سکینه و فاطمه و حضرت کلثوم و ... سلام الله علیهن اجمعین که به همراه دیگر اسرای کربلا بوده اند. (5) و یا حضرت

ص: 22

- 1- «لَا يَبْقَى فِي الْجَمْعِ مَلَكٌ مُّقْرَّبٌ وَلَا نَبِيٌّ مُّرْسَلٌ - وَلَا عَبْدٌ مُؤْمِنٌ إِلَّا بَكَى لَهَا». ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص 216.
- 2- «أنا ابن من بكت عليه ملائكة السماء». المناقب، ج 4، ص 168.
- 3- بحار الانوار، ج 98 ص 318، ح 8.
- 4- کامل الزیارات، جعفر بن محمد بن قولویه، مترجم: سید محمد جواد ذهنی تهرانی، باب 27، ص 275، ح 15 و مستدرک الوسائل، ج 10، ص 244، ح 2. همچنین امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «فَإِنَّ أَرْبَعَةَ آلَافٍ مَلَكٍ يَبْكُونُ [يَبْكُونَهُ] عِنْدَ قَبْرِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» یعنی «چهار هزار فرشته تا روز قیامت بر سر قبر آنجناب (امام حسین (علیه السلام)) حاضر بوده و بر آن حضرت می گریزند». کامل الزیارات، جعفر بن محمد بن قولویه، مترجم: سید محمد جواد ذهنی تهرانی، باب 27، ص 264، ح 1.
- 5- نقش زنان در تاریخ عاشورا، دکتر علی قائمی، ص 100- حماسه حسینی، شهید مرتضی مطهری 6، ج 1، ص 8 و 62 و 176 و 258 و 333- فاطمه دختر امام حسین (علیه السلام)، علی محمد علی دخیل، ترجمه صادق آئینه‌وند، ص 9.

ام البنین (سلام الله علیها) که در احادیث مربوط به مبحث حضرت علی (علیه السلام) ذکر گردید. (1)

لذا برای نمونه از جناب میثم تمار 6 فقط مطلبی ذکر می گردد.

شیخ صدوق از جبلة مکيه نقل کرده که شنیدم از میثم تمار که فرمود: «و الله می کشند این امت پسر پیغمبر خود را در محرم، در روز دهم و هر آینه دشمنان حق سبحانه و تعالی این روز را روز برکت قرار می دهند. و همانا این کار شدنی است و در علم خدای تعالی پیشی گرفته است و من می دانم آن را به وسیله عهدهی از مولایم امیرالمؤمنین (علیه السلام)، پس میثم گریست». (2)

جن ها و دیگر موجودات

جن ها نیز برای حضرتش عزاداری کرده و می کنند. (3) و به طور مکرر از موثقین نقل شده که در عاشورای ابا عبدالله الحسین (علیه السلام)، آثار حزن و اندوه را حتی از حیوانات (4) و جمادات، (5) نیز به چشم مشاهده کرده اند، از جمله نقل شده

ص: 23

1- . همچنین وقتی بشیر خبر شهادت چهار فرزند ام البنین (سلام الله علیها) را به او داد، گفت: رگ های قلبم بریده شد. فرزندانم و هر آنچه در زیر آسمان کبود است همگی فدای ابی عبدالله الحسین (علیه السلام) باد از حسین برایم خبر بده. تنقیح المقال، ج 3، ص 70 همچنین ام البنین (سلام الله علیها) مجلس سوگواری و مصیبت در خانه اش برپا کرد و زنان بنی هاشم در آنجا گرد می آمدند و برحسین (علیه السلام) و خاندانش گریه می کردند. ریاض الاحزان، ص 60 برگرفته از ام البنین (سلام الله علیها) نماد از خود گذشتگی، محمد رضا عبدالامیر انصاری، ترجمه موسی دانش، ص 26.

2- . «وَاللَّهِ لَتَقْتُلَنَّ هَذِهِ الْأُمَّةُ ابْنَ نَبِيِّهَا فِي الْمُحَرَّمِ لِعَشْرِ مَضَى مِنْهُ وَ لَيَتَّخِذَنَّ أَعْدَاءَ اللَّهِ ذَلِكَ الْيَوْمَ يَوْمَ بَرَكَةٍ وَإِنَّ ذَلِكَ لَكَائِنٌ قَدْ سَبَقَ فِي عِلْمِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ أَعْلَمَ ذَلِكَ بَعْدَهُ إِلَى مَوْلَايَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام) ... فَبَكَى مِثْمَ رِضْوَانَ اللَّهِ عَلَيْهِ». امالی الصدوق، ص 127 برگرفته از مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، اعمال روز عاشورا، ص 480.

3- . «أنا ابن من ناحت عليه الجن في الأرض» یعنی «من پسر کسی هستم که جنیان در زمین بر او نوحه و گریه نمودند». المناقب، ج 4، ص 168 همچنین ام سلمه همسر رسول خدا (علیه السلام) می فرماید: «مَا سَمِعْتُ نَوْحَ الْجِنِّ مُنْذُ قُبُضِ النَّبِيِّ إِلَّا اللَّيْلَةَ وَلَا أَرَانِي إِلَّا وَقَدْ أُصِيبَتْ بِأَيْبَى قَالَتْ وَ جَاءَتِ الْجَنِّيَّةُ مِنْهُمْ تَقُولُ: أَلَا يَا عَيْنُ فَأَنْهَمِلِي بِجَهْدٍ» یعنی «از وقتی پیغمبر (صلی الله علیه و آله وسلم) وفات کرده تا امشب، نوحه جن را نشنیدم و گویا فرزندم (حسین (علیه السلام)) از دست رفته باشد يك جنبه آمد و می گفت: ای دو چشم من با شدت و زاری گریه کنید». امالی الصدوق، ص 139، مجلس 29، ح 2 و کامل الزیارات، جعفر بن محمد بن قولویه، مترجم: سید محمد جواد ذهنی تهرانی، باب 29 (نوحه سرائی طایفه جن بر حسین بن علی (علیه السلام))، ح 1 و در ح 2 نیز روایت است که: «پیرمردی از طایفه جن با برادر زاده اش پرواز کردند تا زودتر برای پنج نفری که می خواستند به یاری امام حسین (علیه السلام) بروند، خبر بیاورند، ولی حضرت شهید شده بود و کسانی که قصد یاری داشتند فقط صدایی از آن جن را شنیدند که در سوگ حضرت اشعاری را خواند و گفت: «وَاللَّهِ مَا جِئْتُكُمْ حَتَّى بَصَّرْتُ بِهِ بِالطَّفِّ مُنْعَفِرَ الْخَلْدَيْنِ مَنْحُورًا». برگرفته از سید الشهداء (علیه السلام)، شهید سید عبد الحسین دستغیب 6، مجلس 17، تحت عنوان: عزاداری اجنه بیشتر از بشر، ص 202.

4- . داستانهای شگفت، شهید سید عبدالحسین دستغیب، مبحث گریه شیر در عزای حضرت سید الشهداء (علیه السلام)، ص 213 و کرامات الحسینیة، ج 2، مبحث: عزاداری حیوانات، ص 125 از دار السلام مرحوم نراقی و کلمة طيبة مرحوم نوری نقل کرده اند که

حیوانات مختلف در شب عاشورا عزاداری می نموده اند.

5- . رجوع شود به مبحث: دلالت عقل و قرآن و سنت، قضیه خاک کربلا که توسط رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) به ام سلمه داده شد. همچنین داستانهای شگفت، شهید سید عبدالحسین دستغیب، مبحث: تربت خونین، ص 143 که از دارالسلام عراقی نقل می کند علما و افراد معتبر بارها دیده اند که خاک قبر مطهر سید الشهداء (علیه السلام) در هر جا باشد، روز عاشورا شبیه به خون می شود. علاوه بر این در کتاب داستانهای شنیدنی از کرامات علماء، عبدالرحمن باقرزاده بابل، مبحث: نرزش سنگ در دستان عارف، ص 206 قضیه ای قریب به این مضمون نقل شده که علامه سید محمد طباطبائی 6 در روز عاشورا به عالم ربانی آیت الله وجدانی فخر ← فرمود: آیا می بینی تمام موجودات چون آسمان و زمین و جامدات همه در حال گریستن بر سید الشهداء (علیه السلام) هستند؟ و بعد ایشان سنگی را با دست خود از وسط شکافته و خون میانش را به آیت الله وجدانی فخر نشان می دهد.

که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) در اثنای هجرت از مکه به مدینه، به خیمه «ام معبد» آمد. در نزدیکی خیمه، درخت خاری به نام عوسجه بود و حضرت خواستند که وضو بگیرند. سه مرتبه آب را استنشاق و مضمضه نمودند و پای این درخت ریختند و فرمودند: «لِهَذِهِ الْعَوْسَجَةِ شَأْنٌ» یعنی «برای این درخت، خصوصیات و معجزاتی است».

خواهرزاده ام معبد می‌گوید از فردای آن روز درخت بزرگ و سبز شد و شاخه و برگ از آن روید و میوه ای مانند سیب زمینی داد که از عسل شیرین تر و از مشک خوش بوتر بود. و هر حیوان مریضی که از برگ آن می خورد، خوب می شد و برخی از قبائل عرب که از آنجا رد می شدند برای استشفای از برگ آن همراه کاروان می بردند ... تا اینکه بیست سال گذشت و از چوب های درخت استشفای می کردند. روزی دیدیم از شاخه های درخت خون می ریزد، مانند خونی که از گوشت جدا می شود. متحیر ماندیم تا شب شد و دیدیم دور این درخت صداهای ناله بلند است «أَيَا ابْنَ النَّبِيِّ وَيَا ابْنَ الْوَصِيِّ» (اجنه دور آن برای پسر پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) عزاداری می کردند) طولی نکشید که خبر آمد، امام حسین (علیه السلام) را در کربلا کشتند. از آن پس درخت خشک شد. دیگر نه ساقه و نه ریشه، و کم کم از بین رفت. (1)

شاید در تأیید تمامی این موارد مذکور، همان قسمت از زیارت ناحیه مقدسه کفایت کند که امام زمان (علیه السلام) می فرمایند: «رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) به مصیبتی نشست که ملائکه او را تعزیت گفتند. قتل تو، فاجعه عظیمی بر مادرت زهرا (سلام الله علیها) بوده - و طبقات مختلف فرشتگان، پدرت امیرالمومنین (علیه السلام) را تعزیت و تسلیت می گفتند. و اقامه ماتم می کردند. حورالعین به صورت، لطمه می زدند و آسمان بر این مصیبت گریان شد و همه سکنه آسمان ها محزون شدند. زمین و اهل زمین، دریاها و دریا دارها و مکه و بنیان گذار مکه، بهشت و بهشتیان و خانه خدا و مقام ابراهیم و مشعرالحرام و حلّ و احرام همه در این فاجعه عظیم اظهار هم دردی و عزاداری نمودند». (2)

ص: 24

1- . بحارالانوار، ج 45، ص 233، ح 1 برگرفته از سید الشهداء (علیه السلام)، شهید سید عبد الحسین دستغیب 6، مجلس 17، تحت عنوان: ام معبد و درخت ملکوتی، ص 199.

2- . «فَأَنْزَعَجَ الرَّسُولُ (صلی الله علیه و آله وسلم) وَ بَكَى قَلْبُهُ الْمَهُولُ وَ عَزَاهُ بِكَ الْمَلَائِكَةُ وَ الْأَنْبِيَاءُ وَ فُجِعَتْ بِكَ أُمَّكَ الرَّهْرَاءُ (سلام الله علیها) وَ اخْتَلَفَ جُنُودُ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ تُعَزِّي أَبَاكَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام) وَ أَقِيمَتْ لَكَ الْمَأْتَمُ فِي أَعْلَى عَلِيِّينَ وَ لَطَمَتْ عَلَيْكَ الْحُورُ الْعَيْنُ وَ بَكَتِ السَّمَاءُ وَ سَكَانُهَا وَ الْجَنَانُ وَ خُرَانُهَا وَ الْهَضَابُ وَ أَفْطَارُهَا وَ الْبِحَارُ وَ حِيَتَانُهَا وَ الْجِنَانُ وَ وِلْدَانُهَا وَ الْبَيْتُ وَ الْمَقَامُ وَ الْمَشْرَعُ الْحَرَامُ وَ الْحِلُّ وَ الْإِحْرَامُ». بحارالانوار، ج 98، ص 323، ح 8.

امام باقر (علیه السلام) می فرماید: «هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ وَ الْبُغْضُ» (1). اصلاً دین؛ یعنی حب به دوستان خدا و بغض به دشمنان خدا. پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: «أَحِبُّوا اللَّهَ (عَزَّ وَ جَلَّ) لِمَا يَغْذُوكُمْ بِهِ مِنْ نِعْمِهِ، وَ أَحِبُّوا رَبِّي، وَ أَحِبُّوا أَهْلَ بَيْتِي بِحُبِّي» (2) یعنی «خدا را دوست بدارید به واسطه آنچه به شما از انواع نعمت‌ها که کرامت فرمود، و مرا دوست بدارید به سبب دوستی خدا، و اهل بیتم را دوست بدارید به سبب دوستی من». و نه فقط اهل بیتم را دوست بدارید، بلکه از این هم بالاتر، رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: «وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا يُؤْمِنُ عَبْدٌ لِلَّهِ حَتَّى أَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ وَاَلِدِهِ وَ وَاَلِدِهِ وَ يَكُونَ عَتْرَتِي أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ عَتْرَتِهِ» (3) یعنی «سوگند به خدایی که جان من در دست قدرت اوست، ایمان نیاورده بنده ای به خدا تا وقتی که من در نزد او، دوست داشتنی تر باشم از فرزند و پدرش، و خاندان من نزد او، از خاندانش دوست داشتنی تر باشد».

گریه نشانه محبت و دوستی با اهل بیت (علیهم السلام) است. گریه، نشانه عاطفه و علاقه و سوختن دل است. اگر شما شخصی را دوست داشته باشید؛ مثلاً فرزندت را، و او بر اثر مصیبت‌ها آزار ببیند و گریان شود، آیا محزون و گریان نخواهی شد؟ امام حسین (علیه السلام) هم فرزندان و اصحابش را دوست می داشت و مسلماً خیلی هم بیشتر از ما نزدیکانش را دوست داشت، چون از ما انسان‌تر بود (انسانیت ایشان از ما بیشتر تر بود) و او انسان کامل بود و این عواطف، عواطف انسانی است. لذا قهراً عواطف انسانی او هم بیشتر بود. نقل شده که بعضی از مصائب کربلا، خیلی برای امام حسین (علیه السلام) سخت تر و جانکاه تر بوده، از آن جمله است:

ص: 25

1- . بحار الأنوار، ج 65، ص 63، ح 114 برگرفته از سید الشهداء (علیه السلام)، شهید سید عبدالحسین دستغیب 6، مجلس 2، تحت عنوان: حبیب با محبوب در آخرت، ص 22.

2- . الأمالی (للطوسی)، النص، ص 632، ح 5 - بحار الأنوار، ج 27، ص 105، ح 75 همچنین شبیه این حدیث در صحیح ترمذی و یعقوبی در تاریخ بغداد نیز چنین ذکر گردیده: «أَحِبُّوا اللَّهَ (عَزَّ وَ جَلَّ) لِمَا يَغْذُوكُمْ، وَ أَحِبُّوا رَبِّي بِحُبِّ اللَّهِ، وَ أَحِبُّوا عَتْرَتِي بِحُبِّي». برگرفته از سید الشهداء (علیه السلام)، شهید سید عبدالحسین دستغیب 6، مجلس 13، تحت عنوان: دوستی خدا و محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) و عترت، ص 134 همچنین قرآن کریم نیز در سوره شوری آیه 23 به پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) می فرماید: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» یعنی «بگو: من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی کنم جز دوست داشتن نزدیکانم (اهل بیتم)».

3- . برگرفته از سید الشهداء (علیه السلام)، شهید سید عبدالحسین دستغیب 6، مجلس 11، تحت عنوان: دوستی محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) با آل است، ص 108 به نقل از الغدير. البته شبیه این حدیث در بحار الأنوار، ج 27، ص 112، ح 85 نیز چنین آمده: «لَا يُؤْمِنُ عَبْدٌ لِلَّهِ حَتَّى أَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ نَفْسِهِ وَ يَكُونَ عَتْرَتِي أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ عَتْرَتِهِ وَ يَكُونَ أَهْلِي أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ أَهْلِهِ وَ يَكُونَ ذَاتِي أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ ذَاتِهِ».

الف) در میان کسانی که اباعبدالله (علیه السلام) خود را به بالین آنها رسانید، هیچ کس وضعی دل خراش تر و جانسوزتر از برادرش ابوالفضل العباس (علیه السلام)، برای او نداشت. برادری که حسین (علیه السلام) او را خیلی دوست می دارد و یادگار شجاعت پدرش می باشد و چنان اندامی موزون و بلند و رشید داشت که حسین (علیه السلام) از نظر کردن به آن لذت می برد. وقتی که امام بالای سر او می آید، می بیند دست در بدن او نیست، مغز سرش با يك عمود آهنین کوبیده شده و به چشم او تیر وارد شده است. بی جهت نیست که گفته اند: «عباس (علیه السلام) که کشته شد، دیدند چهره حسین (علیه السلام) شکسته شد». خود امام حسین (علیه السلام) فرمود: «الآن انكسر ظهري و قلت حيلتي» (1) یعنی «الان پشتم شکست و چاره ام کاسته شد».

ب) اباعبدالله (علیه السلام) حضرت علی اکبر (علیه السلام) را بسیار دوست می داشت و این را اظهار می نمود. خصوصیتی که باعث محبوبیت بیشتر او می شد، همان شباهت کاملی بود که به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) داشت. او از نظر اندام، شمایل، اخلاق، منطق و سخن گفتن آن قدر شبیه پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) بود که اباعبدالله (علیه السلام) درباره اش فرمود: «خدایا خودت می دانی که وقتی ما، مشتاق دیدار پیغمبر می شدیم، به این جوان نگاه می کردیم» (2) حال چقدر برای انسان سخت و ناراحت کننده است که چنین فرزندی در معرض خطر قرار گیرد! فرزندی که همچون اسماعیل تسلیم امر خدا بود. (3)

نوشته اند وقتی علی اکبر (علیه السلام) می خواست به میدان رود، اباعبدالله (علیه السلام) در حالی که چشمان مبارکش حالت نیم خفته به خود گرفته بود، به او نگاه کرد، مانند شخص ناامیدی که به جوان خود نگاه می کند. چند قدمی هم پشت سر او رفت و فرمود: «خدایا گواه باش که جوانی به جنگ اینها می رود که از همه مردم به پیغمبرت شبیه تر است» (4) و با فریاد به عمر سعد گفت: «خدا نسلت را قطع کند که نسل مرا از این فرزند قطع کردی» (5) بعد از آنکه علی اکبر (علیه السلام) مبارزه بی نظیری نمود و ضربت ها خورده و دهانش خشک و زبانش مثل چوب خشک شده بود، از میدان برمی گردد و می گوید: پدر جان! عطش و تشنگی دارد مرا می کشد، سنگینی این اسلحه مرا سخت به زحمت

ص: 26

-
- 1- بحار الأنوار، ج 45، ص 42 برگرفته از حماسه حسینی، شهید مرتضی مطهری 6، ج 2، ص 117 و 118.
 - 2- «أَشْبَهُ النَّاسِ خُلُقًا وَ خُلُقًا وَ مُنْطِقًا بِرَسُولِكَ كُنَّا إِذَا اشْتَقْنَا إِلَى نَبِيِّكَ نَظَرْنَا إِلَى وَجْهِهِ». بحار الأنوار، ج 45، ص 43.
 - 3- برگرفته از حماسه حسینی، شهید مرتضی مطهری 6، ج 2، جلسه دوم (ارزش هر یک از عوامل)، ص 59.
 - 4- «اللَّهُمَّ فَكُنْ أَنْتَ الشَّهِيدَ عَلَيْهِمْ فَقَدْ بَرَزَ إِلَيْهِمْ غُلَامٌ أَشْبَهُ الْخَلْقِ بِرَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم)». بحار الأنوار، ج 45، ص 45.
 - 5- «قَطَعَ اللَّهُ رَحِمَكَ ... كَمَا قَطَعْتَ رَحِمِي». بحار الأنوار، ج 45، ص 43.

انداخته است. اگر ذره ای آب به کام من برسد، نیرو می گیرم و برمی گردم و جهاد می کنم! این سخن، جان اباعبدالله (علیه السلام) را آتش می زند و می گوید: پسر جان! بین دهان من از دهان تو خشک تر است. «فإني أرجو أنك لا تمسى حتى يسقيك جدك بكأسه الأوفى شربة لا نظماً بعدها أبدا» (1) فرزند عزیزم! امیدوارم هرچه زودتر به فیض شهادت نائل شوی و از دست جدت سیراب گردی.

علی اکبر (علیه السلام) بر می گردد و می جنگد و سرانجام، مردی او را غافلگیر کرده و با نیزه محکمی آن چنان به او ضربه می زند که دیگر توان، از او گرفته می شود، به طوری که دست هایش را به گردن اسب می اندازد، چون نمی توانسته خودش تعادلش را حفظ کند و فریاد می کشد: «یا ابتاه! هذا جدی رسول الله» یعنی «پدر جان الان دارم جدم را می بینم». اسب، علی اکبر (علیه السلام) را در میان لشکر دشمن برد و این جاست که نوشته اند: «فَاخْتَمَلَهُ الْفَرَسُ إِلَى عَسْكَرِ الْأَعْدَاءِ فَقَطَعُوهُ بِسِوْفِهِمْ أَرْبَا أَرْبَا» (2) او را تکه تکه کردند. حال تصور کنید امام (علیه السلام) بر بالای سر این فرزند با این خصوصیات، چه رنجی را متحمل شده است. (3)

ج) یکی دیگر از این صحنه های دلخراش عاشورا، زمان وداع امام حسین (علیه السلام) با حضرت قاسم (علیه السلام) برادر زاده اش می باشد. در روز عاشورا، هیچ کس بدون اجازه حضرت به میدان نمی رفت. وقتی حضرت قاسم (علیه السلام) آمد که اجازه بگیرد، اباعبدالله (علیه السلام) به این سادگی به او اجازه نداد. او شروع کرد به گریه کردن، قاسم و عمو در آغوش هم شروع

ص: 27

1- . بحار الأنوار، ج 45، ص 43. امام حسین (علیه السلام) بالاترین خوبی ها را برای فرزندش آرزو کرد چرا که پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: «فَوْقَ كُلِّ ذِي بَرٍّ حَتَّى يُقْتَلَ الرَّجُلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَيْسَ فَوْقَهُ بَرٌّ» یعنی «بالاتر از هر صاحب خوبی و نیکی، نیکی دیگری است. مگر کشته شدن در راه خدا که بالاتر از آن خوبی و نیکی نیست». بحار الأنوار، ج 71، ص 60، ح 25 و همچنین امام علی (علیه السلام) فرمودند: «فَإِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِمَنْ أَحْبَبَهُ» یعنی «جهاد دری از درهای بهشت است که خدا برای خواص از اولیانش باز کرده». معانی الأخبار، ص 309، ح 1 برگرفته از سخنان حجت الاسلام کاظم صدیقی به مناسبت سال روز وفات حضرت عبدالعظیم حسنی (علیه السلام) در مصلاهی شهر ری، سال 1381.

2- بحار الأنوار، ج 45، ص 44. [2]

3- . برگرفته از حماسه حسینی، شهید مرتضی مطهری، ج 6، ص 1، ج 1، ص 231 و ج 2، ص 59 به نقل از کتب متعدد مقتل.

به گریه کردند. نوشته اند: قاسم شروع کرد به بوسیدن دست ها و پاهای اباعبدالله (علیه السلام) و اصرار کرد(1) و حضرت هم انکار، تا سرانجام حضرت با لفظ اجازه نداد، بلکه يك دفعه دستانش را گشود و گفت: «بیا فرزند برادر می خواهم با تو خدا حافظی کنم». قاسم دست به گردن عمو انداخت و امام نیز دست به گردن جناب قاسم. و آن قدر در این صحنه گریه کردند که هر دو، بی حال شدند و از یکدیگر جدا گشتند. این طفل سیزده ساله فوراً سوار اسب شد. در حالی که هنوز دانه های اشک به صورتش جاری بود و وارد نبرد شد. اباعبدالله (علیه السلام) اسب خود را حاضر کرده و به دست گرفته بود و گویا منتظر بود که ناگاه فریادی شنید: «یا عَمَّاه». حسین (علیه السلام) مانند باز شکاری به سمت حضرت قاسم (علیه السلام) که با ضربه دشمن به فرق مبارکش از روی اسب به زمین افتاده بود، حرکت کرد. حدود دویست نفر دور بدن قاسم را گرفته بودند که سرش را از بدن جدا کنند. وقتی دیدند که امام (علیه السلام) حمله کرد، فرار کردند و امام (علیه السلام) خود را بر بالین قاسم رساند و سرش را به دامن گرفت و فرمود: «عَزَّ وَ اللَّهُ عَلَيَّ عَمَّكَ أَنْ تَدْعُوهُ فَلَا يُجِيبُكَ أَوْ يُجِيبُكَ فَلَا يَنْفَعُكَ صَوْتُهُ»(2). برادر زاده خیلی بر عموی تو سخت است که او را بخوانی، نتواند تو را اجابت کند. و یا اجابت کند، اما نتواند برای تو کاری انجام دهد. و جناب قاسم «هُوَ يَفْحَصُ بِرَجْلَيْهِ»(3) در حالی که از شدت درد، پاهایش را به زمین می کوبید، فریادی کشید و جان را تسلیم نمود.(4)

و همچنین لحظه های شهادت حضرت علی اصغر (علیه السلام) که از تشنگی به خود می پیچید(5) و دشمن بجای آب دادن، آن گونه بی - رحمانه این شیرخواره را سیراب نمود، نیز واقعاً بر امام حسین (علیه السلام) سخت گذشت، که به سبب طولانی نشدن مطلب، آن مصیبت جانکاه ذکر نمی گردد. البته این مصیبت نیز در کتب مختلف مقاتل ذکر گردیده است.

ص: 28

- 1- «جعلاً بیکیان حتی غشی علیهما ثم استأذن الحسین (علیه السلام) فی المبارزة فأبى الحسین (علیه السلام) أن يأذن له فلم یزل الغلام یقبل یدیه و رجلیه حتی أذن له فخرج و دموعه تسیل علی خدیة». بحار الأنوار، ج 45، ص 34 و مقتل خوارزمی، ج 2، ص 27 برگرفته از حماسه حسینی، شهید مرتضی مطهری 6، ج 1، جلسه چهارم (روشهای تبلیغی نهضت حسینی)، ص 282.
- 2- . اللهموف علی قتلی الطفوف، ص 116
- 3- . همان مدرک.
- 4- . برگرفته از حماسه حسینی، شهید مرتضی مطهری 6، ج 1، ص 37 و 282 و ج 2 ص 149 به نقل از کتب متعدد حدیث و مقتل.
- 5- . امام حسین (علیه السلام) به دشمن فرمود: «أَمَا تَرَوْنَهُ يَتَلَطَّى عَطْشاً» یعنی «آیا نمی بینید که این طفل چگونه از عطش بخود می پیچد». برگرفته از مقتل شوشتری (روضه های حضرت آیت الله شیخ جعفر شوشتری 6)، گردآورنده: ابراهیم سلطانی نسب، مبحث: حضرت علی اصغر (علیه السلام)، ص 181 و ترجمه مقتل امام حسین (علیه السلام)، جواد محدثی، فصل پنجم، مبحث: شهادت شیر - خواره، ص 169.

وقایع کربلا واقعاً دل سنگ را کباب می کند و عواطف هر انسانی، با هر عقیده و مذهبی را به هیجان می آورد. مگر می شود کسی در دلش ذره ای محبت خدا باشد و برای کسانی که تا این اندازه در راه حق جان فشانی نموده اند، متأثر نگردد؟! چطور ممکن است مسلمانی فرزند پیامبرش را بیشتر از فرزند خود دوست بدارد و از شنیدن این مصائب بزرگ حضرتش محزون نگردد؟! خود حضرتش پیام داده است:

شِيعَتِي مَا إِنَّ شَرِبْتُمْ عَذْبَ مَاءٍ فَأَذْكُرُونِي أَوْ سَمِعْتُمْ بَغْرِيْبٍ أَوْ شَهِيدٍ فَأَنْدُبُونِي

یعنی ای شیعیان من، هرگاه آب گوارایی نوشیدید مرا یاد کنید، یا اگر درباره شهیدی یا غریبی، مطلبی شنیدید، برای من گریه کنید. (1) و همچنان که ذکر شد، روایت است: «اگر خدا اراده خیر، به بنده ای کند، محبت حسین (علیه السلام) را در دلش قرار می دهد». (2) لذا انسانی که چشمش در مصیبت حضرتش گریان نشود و دلش برای امام حسین (علیه السلام) نسوزد، باید در ایمان خود شك کند. چرا که پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: «إِنَّ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ حَرَاةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا» (3) یعنی «از قتل حسین در دل های مؤمنان سوزشی است که هرگز به سردی نگراید». البته انسان هرچه شناختش به صفات و اخلاص و هدف امام حسین (علیه السلام) زیادتر گردد، معرفتش نیز به ایشان افزون می گردد.

امام حسین (علیه السلام) با وجود شدت علاقه ای که به اولاد و یاران خود داشت، اما چون محبت خدا در دلش بیشتر بود و رضای او را طالب بود، لذا از خود و عواطف خود هجرت نمود. علامه طباطبائی 6 می فرماید: «طریقه محبت است که قلب را از هر تعلقی جز تعلق خدا، پاک می سازد؛ و قلب را منحصرأ متعلق به خدا و هر چه که منسوب به خداست، از دین و آورنده دین و ولی دین و هر چه که برگشتش به خدا باشد، می سازد. آری، محبت به هر چیز، محبت به آثار آن نیز هست. لذا چنین کسی از کارها، آن کاری را دوست می دارد که خدا دوست بدارد، و آن

ص: 29

1- حضرت سکینه (سلام الله علیها) می فرماید: «عصر عاشورا کنار جسد پدرم نشسته بودم که این ابیات را از گلوی بریده اش شنیدم». عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال (مستدرک سیده النساء الی الإمام الجواد (ج 11، قسم 2 (فاطمه (سلام الله علیها))، ص 958 - مستدرک الوسائل، ج 17، ص 26، ح 1- برگرفته از ترجمه مقتل امام حسین (علیه السلام)، جواد محدثی، فصل هشتم، مبحث: شنیده شدن ندای امام، ص 212 و کتاب 200 داستان از فضایل و کرامات و مصایب حضرت زینب (سلام الله علیها)، عباس عزیزی، فصل سوم، مبحث: سکینه نعش پدر را در آغوش گرفت، ص 114.

2- رجوع شود به مبحث: راه امام حسین (علیه السلام) راه دل است. «مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِهِ الْخَيْرَ قَدَفَ فِي قَلْبِهِ حُبَّ الْحُسَيْنِ (علیه السلام)». بحار الأنوار، ج 98، ص 76، ح 28.

3- مستدرک الوسائل، ج 10، ص 318 ح 12084 برگرفته از حماسه حسینی، شهید مرتضی مطهری 6، ج 3، بخش هفتم مبحث حماسه حسینی، ص 321.

کاری را دشمن می دارد که خدا دشمن بدارد. به خاطر رضای خدا راضی و به خاطر خشم خدا خشمگین می شود و این محبت نوری می شود که راه عمل را برای او روشن می سازد» (1).

اصولاً منطق دین، ایثار است. علاقه به جان و پدر و مادر و فرزند و همسر و خویش و تبار... طبیعی هر انسان است و بسیاری از اینها طبیعی هر حیوانی است. دین آمده که انسان را علاقه مند و شیفته اموری عالی تر گرداند و درسی عالی تر بیاموزد؛ این فرموده خود امام حسین (علیه السلام) است: «إِلَهِي رِضًا بِقَضَائِكَ وَ تَسْلِيمًا لِأَمْرِكَ وَ لَا مَعْبُودَ سِوَاكَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ» (2).

برخی آثار عزاداری و گریه بر امام حسین (علیه السلام)

هر مصیبت زده ای که خدا برایش اجر معین فرموده، پاداشش به اعتبار مصیبت اوست. هر چه مصیبت سخت تر، اجرش هم بیشتر است. و از آنجا که مصیبت امام حسین (علیه السلام) بزرگ ترین مصیبت ها است، «وَ أَعْظَمَ بِكَ الْمَصَابَ» (3) و نمونه اش را در عالم سراغ نداریم، مصیبتی که در آسمان و زمین انقلاب به وجود آورد، (4) لذا ثواب های دستگاه حسین (علیه السلام) هم نامحدود است و «أَجْرَلْ بِكَ الثَّوَابِ» (5) می باشد. به بعضی از این ثواب ها در بخش گذشته اشاره شد. (6) و اینک هم به برخی دیگر اشاره می شود:

در روایت است: «اگر کسی مؤمن غمناکی را شاد کند، اسباب شادی اش در قبر فراهم می گردد». (7) پس خوشا به

ص: 30

- 1- برگرفته از تفسیر المیزان، علامه سید محمد حسین طباطبایی، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، ج 6، ص 21، ص 256، مبحث: چند بحث در پیرامون تقوای دینی و درجات آن، فصل 3 (چگونه محبت باعث اخلاص می شود؟)، ذیل آیه 34 سوره یوسف.
- 2- نظیر این عبارت در قمقام زخار، ص 463 و مقتل الحسین مقرر، ص 357 ذکر شده. برگرفته از حماسه حسینی، شهید مرتضی مطهری (علیه السلام)، ج 1، جلسه دوم (نهضت حسینی حماسه ای مقدس)، ص 157.
- 3- زیارت امام حسین (علیه السلام)، بحار الانوار، ج 98، ص 223، ح 34.
- 4- «لَقَدْ عَظَّمَتِ الرَّزِيَّةُ وَ جَلَّتْ وَ عَظَّمَتِ الْمَصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا وَ عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ الْأِسْلَامِ وَ جَلَّتْ وَ عَظَّمَتِ مُصِيبَتُكَ فِي السَّمَاوَاتِ عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ... مُصِيبَةٌ مَا أَعْظَمَهَا وَ أَعْظَمَ رَزِيَّتَهَا فِي الْأِسْلَامِ وَ فِي جَمِيعِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ». مفاتیح الجنان، زیارت امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا، ص 750.
- 5- زاد المعاد - مفاتیح الجنان، ص 458.
- 6- رجوع شود به مبحث: راه امام حسین (علیه السلام) راه دل است.

7- امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «مَنْ أَدْخَلَ عَلَى مُؤْمِنٍ سُرُورًا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ ذَلِكَ السُّرُورِ خَلْقًا فَيَلْقَاهُ عِنْدَ مَوْتِهِ فَيَقُولُ لَهُ أَبَشُرْ يَا وَلِيَّ اللَّهِ بِكَرَامَةِ مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانٍ - ثُمَّ لَا يَزَالُ مَعَهُ حَتَّى يَدْخُلَهُ قَبْرَهُ [يَلْقَاهُ] فَيَقُولُ لَهُ مِثْلَ ذَلِكَ فَإِذَا بَعَثَ يَلْقَاهُ فَيَقُولُ لَهُ مِثْلَ ذَلِكَ ثُمَّ لَا يَزَالُ مَعَهُ عِنْدَ كُلِّ هَوْلِ يُبْشِرُهُ وَ يَقُولُ لَهُ مِثْلَ - «ذَلِكَ فَيَقُولُ لَهُ مَنْ أَنْتَ رَحِمَكَ اللَّهُ فَيَقُولُ أَنَا السُّرُورُ الَّذِي أَدْخَلْتَهُ عَلَى فَلَانٍ» یعنی «هر که به مؤمنی شادی رساند. خدای عز و جل از آن شادی مخلوقی آفریند که هنگام مرگ دیدارش کند و به او گوید: ای دوست خدا مژده باد ترا به کرامت و رضوان خدا، سپس همواره همراه او باشد تا داخل قبرش شود، و به او همان سخن را گوید، و چون از گور برخیزد، به او همچنان همان را گوید، سپس همواره همراه او باشد و هنگام هر ترسی او را مژده دهد و به او همچنان همان را گوید، مؤمن به او گوید: تو کیستی خدایت رحمت کند. گوید: من آن شادی هستم که به فلانی رسانیدی». همچنین امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «إِذَا بَعَثَ اللَّهُ

الْمُؤْمِنِ مِنْ قَبْرِهِ خَرَجَ مَعَهُ مِثَالٌ يَقْدُمُ أَمَامَهُ كُلَّمَا رَأَى الْمُؤْمِنُ هَوًّا مِنْ أَهْوَالِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ قَالَ لَهُ الْمِثَالُ لَا تَفْزَعْ وَلَا تَحْزَنْ وَأَبْشِرْ بِالسُّرُورِ وَالْكَرَامَةِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ حَتَّى يَقِفَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَيَحَاسِبُهُ حِسَابًا يَسِيرًا وَيَأْمُرُ بِهِ إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمِثَالُ أَمَامَهُ فَيَقُولُ لَهُ الْمُؤْمِنُ يَرْحَمُكَ اللَّهُ نَعْمَ الْخَارِجُ خَرَجْتَ مَعِيَ مِنْ قَبْرِي وَمَا زِلْتَ تُبَشِّرُنِي بِالسُّرُورِ وَالْكَرَامَةِ مِنَ اللَّهِ حَتَّى رَأَيْتُ ذَلِكَ فَيَقُولُ مَنْ أَنْتَ فَيَقُولُ أَنَا السُّرُورُ الَّذِي كُنْتَ أَدْخَلْتَ عَلَيَّ أَخِيكَ الْمُؤْمِنِ فِي الدُّنْيَا خَلَقَنِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْهُ لِأُبَشِّرَكَ». یعنی «چون خدا مؤمن را از گورش در آورد، تمثالی با او خارج شود که در جلو او راه رود، و هر گاه مؤمن یکی از هراس‌های روز قیامت را ببندد، تمثال به او گوید: نترس و غم مخور، ترا مژده باد به شادی و کرامت خدای عز و جل، تا در برابر خدای عز و جل بایستد، خدا هم به آسانی از او حساب کشد و به سوی بهشتش فرمان دهد و تمثال در جلوش باشد. مؤمن به او گوید: چه خوب کسی بودی تو که از گور همراه من در آمدی و همواره مرا به شادی و کرامت خدا مژده دادی تا آن را دیدم، سپس گوید: تو کیستی؟ گوید: من آن شادی هستم که در دنیا به برادر مؤمنت رسانیدی خدای عز و جل مرا از آن شادی آفرید تا ترا مژده دهم». الکافی، ج 2، ص 191 و 190، ح 12 و 8 برگرفته از سید الشهداء (علیه السلام)، شهید سید عبدالحسین دستغیب 6، مجلس 9، تحت عنوان: نتیجه‌گیری بر حسین (علیه السلام) در قبر، ص 82 به نقل از شیخ شوشتری.

حال کسی که با گریه کردن بر حسین (علیه السلام)، پیامبر و علی و فاطمه زهرا صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین را شاد گرداند. و همچنین آثار گریه بر امام حسین (علیه السلام) خصوصاً در حال جان کندن(1) و در قبر و عالم برزخ و محشر هویدا خواهد شد.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «نَفْسُ الْمَهْمُومِ لُظْلَمًا تَسْبِيحٌ وَ هَمُّهُ لَنَا عِبَادَةٌ» یعنی همچنان که در ماه رمضان نفس کشیدن روزه دار ثواب تسبیح دارد، در مجلس عزای حسین (علیه السلام) هم (یا هر وقت که غم حسین (علیه السلام) داشته باشی) هر نفسی که می کشی ثواب تسبیح دارد.(2)

در روایتی دیگر امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «مَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ شِعْرًا فَبَكَى وَأَبَكَى وَاحِدًا كُتِبَتْ لَهُمَا الْجَنَّةُ وَ مَنْ ذَكَرَ الْحُسَيْنِ (علیه السلام) عِنْدَهُ فَخَرَجَ مِنْ عَيْنِهِ [عَيْنَيْهِ] مِنَ الدَّمْعِ مِقْدَارُ جَنَاحِ ذُبَابٍ كَانَ ثَوَابُهُ عَلَى اللَّهِ وَ لَمْ يَرْضَ لَهُ بِدُونِ الْجَنَّةِ» یعنی «کسی که در مرثیه حسین (علیه السلام) شعری خوانده و خود گریه کرده و یک نفر دیگر را بگریاند بهشت برای هر دو واجب می شود و کسی امام حسین (علیه السلام) را نزدش یاد کنند و از چشمش به مقدار بال مگس اشک بیاید ثواب و

ص: 31

1- امام صادق فرمودند: «أَمَّا إِنَّكَ سَتَرَى عِنْدَ مَوْتِكَ حُضُورَ آبَائِي لَكَ وَ وَصِيَّيْتَهُمْ مَلِكَ الْمَوْتِ بِكَ وَ مَا يَلْقَوْنَكَ بِهِ مِنَ الْبَشَارَةِ أَفْضَلُ وَ لَمَلِكُ الْمَوْتِ أَرْقَى عَلَيْكَ وَ أَشَدُّ رَحْمَةً لَكَ مِنَ الْأُمِّ الشَّفِيقَةِ عَلَى وَلَدِهَا» یعنی «توجه داشته باش حتماً و به زودی هنگام مرگ، اجدادم را بالای سرت خواهی دید که به ملک الموت سفارش تو را خواهند نمود و بشارتی که به تو خواهند داد، برتر و بالاتر از هر چیزی است و خواهی دید که ملک الموت از مادر مهربان به فرزندش، به تو مهربان تر و رحیم تر خواهد بود». کامل الزیارات، باب 32، ص 327، ح 6 برگرفته از سید الشهداء (علیه السلام)، شهید سید عبد الحسین دستغیب 6، مجلس 9، تحت عنوان: فریاد رسی حسین (علیه السلام) هنگام نزع، ص 79 و همچنین 88.

2- أمالی المفید، مجلس چهلّم، ص 338، ح 3 برگرفته از سید الشهداء (علیه السلام)، شهید سید عبد الحسین دستغیب 6، مجلس 2، تحت عنوان: گناه دوری می آورد، ص 23.

اجر او بر خداست و خداوند برای وی به کمتر از بهشت اجر و ثواب نمی دهد». همچنین ایشان فرمودند: «مَنْ ذَكَرَهُ فَبِكِّي فَلَهُ الْجَنَّةُ» یعنی «کسی که یاد امام حسین (علیه السلام) نموده و برای آن حضرت بگرید بهشت برای او است». (1)

فلسفه زنده نگه داشتن مصائب امام حسین (علیه السلام)

این همه سفارش و توصیه به تجدید عزاداری و گریه و زنده نگه داشتن وقایع کربلا، به خاطر آموزندگی و سازندگی آن است. واقعه کربلا از طریق به هیجان آوردن عواطف و احساسات انسانی، بشر را به راه رشد و سعادت سوق می دهد و وسیله نجاتش را فراهم می سازد. البته هم در بعد فردی و هم اجتماعی.

الف- رشد فردی

کسی که محب امام حسین (علیه السلام) می شود و با او ارتباط قلبی پیدا می کند، نتیجه این ارتباط این است که محب متناسب با ظرف وجودی و استعدادش از صفات کمالیه محبوب برخوردار می گردد. و از جمله عجایب عالم محبت، یگانگی میان محب و محبوب از حیث معنا است. چون کمال ربط، در دوستی یافت می شود. البته تا مقدار محبت چه اندازه باشد و استعداد محب چگونه باشد و موانع تا چه حد برطرف شده باشد. و از جمله صفات امام حسین (علیه السلام)، صفت صبر و بردباری است که در زیارت ناحیه مقدسه، امام زمان (علیه السلام) می فرمایند: «قَدْ عَجِبْتُ مِنْ صَبْرِكَ مَلَائِكَةُ السَّمَاوَاتِ» (2) یعنی «ملائکه آسمانها از بردباریت در شگفت شدند». علی (علیه السلام) نیز می فرمایند: «الْصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ» (3) یعنی «صبر نسبت به ایمان مانند سر نسبت به بدن است». همان طور که بدن بی سر،

ص: 32

- 1- کامل الزیارات، جعفر بن محمد بن قولویه، مترجم: سید محمد جواد ذهنی تهرانی، باب 33، ص 337 و 343، ح 1 و 5 برگرفته از سید الشهدا (علیه السلام)، شهید سید عبد الحسین دستغیب 6، مجلس 19، تحت عنوان: امید به بهشت و راه جهنم، ص 218.
- 2- بحار الأنوار ج: 98 ص 322.
- 3- نهج البلاغه، امام علی (علیه السلام)، مرحوم سید رضی، مترجم: مصطفی زمانی، کلمات قصار، شماره 79، ص 876.

مرده و جماد است، کسی هم که صبر ندارد، ایمان حقیقی ندارد. از مهم ترین مراتب صبر، صبر در برابر گناه و هوس ها و شهوت ها است. (1)

لذا محب امام حسین (علیه السلام) باید کم و بیش از این صفت کمالیه بهره مند باشد و صبر حسین (علیه السلام) در او منعکس گردد. پس دوستی حسین (علیه السلام) انسان را از گناه دور می کند و محب او باید کاری کند که محبت دنیا و شهوات، کم کم از دلش بیرون رود.

لذا این وسائل حسینی (آثار ذکر شده بر عزاداری و گریه بر امام حسین (علیه السلام)) نباید موجب غرور گردد. غرور از شیطان است و از جانب جهل نفس. و این جهل آدمی است که طمع داشته باشد تا بدون کسب ایمان و داشتن عمل صالح به بهشت و درجات عالی برسد. (2)

اگر گفته شده: «هر کس بر امام حسین (علیه السلام) گریه کند، بهشت بر او واجب می شود». (3) معنایش این نیست که هر کس بر حسین (علیه السلام) گریه کرد، هر کاری خواست بکند که گناهانش بخشیده می شود، بلکه امثال این احادیث برای «رجاء» می باشد. یعنی برخی گناهان به صرف استغفار پاک نمی شوند، بلکه شخص علاوه بر ادای حق باید مرتباً صیقل بزند و جبران کند، تدارک گذشته را بنماید و این است که در این قبیل موارد، پس از توبه و استغفار، امید

ص: 33

1- . أمير المؤمنين (عليه السلام) فرمودند: «الصبر صبران: صبر عند المصيبة حسن جميل، و أحسن من ذلك الصبر عند ما حرم الله عليك» یعنی «صبر و شکیبائی دو قسم است: شکیبائی نزد مصیبت (به امر ناگواری گرفتار گشتن) که نیکو و زیبا است، و نیکوتر از آن شکیبائی در باره آن چیزی است که خداوند بر تو حرام فرموده است (شکیبائی بر اجتناب از گناهان که انسان راغب و مائل به آن است)». طرائف الحكم یا اندرزهای ممتاز، متن ج 2، ص 318، ح 1407. همچنین رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: «الصبر ثلاثة: صبر عند المصيبة و صبر على الطاعة و صبر عن المعصية، فمن صبر على المصيبة حتى يردّها بحسن عزائها كتب الله له ثلثمائة درجة ما بين الدرجة إلى الدرجة كما بين السماء (إلى) الأرض، و من صبر على الطاعة كتب الله له ستمائة درجة ما بين الدرجة إلى الدرجة كما بين تخوم الأرض إلى منتهى العرش، و من صبر على المعصية كتب الله له تسعمائة درجة ما بين الدرجة إلى الدرجة كما بين تخوم الأرض إلى منتهى العرش» یعنی «شکیبائی بر سه قسم است: شکیبائی نزد مصیبت و امر ناگواری که به انسان می رسد، و شکیبائی بر (زحمت) طاعت و فرمانبری (خداوند) و شکیبائی و خودداری نمودن از معصیت و نافرمانی (پروردگار) پس کسی که بر ناگواری مصیبت شکیبا باشد تا آنکه در آن مصیبت استقامت و پایداری نیکو کند، خداوند برای او سیصد درجه (به عنوان پاداش) ثبت فرماید که ما بین هر درجه ای تا درجه دیگر مانند فاصله میان آسمان تا زمین است، و کسی که بر فرمانبری (خدا) شکیبا باشد، خداوند جهت او ششصد درجه (و مقام) ثبت فرماید که ما بین هر درجه ای تا درجه دیگر چون فاصله میان نهایت زمین است تا عرش (پروردگار) و کسی که بر (ترك) گناه شکیبا باشد، خداوند برای او نهصد درجه ثبت فرماید که ما بین هر درجه ای مانند فاصله میان نهایت زمین تا پایان عرش (پروردگار) است». طرائف الحكم یا اندرزهای ممتاز، متن ج 2، ص 228، ح 1208.

2- . امام هادی (علیه السلام) از امیر مؤمنان (علیه السلام) نقل فرمودند که: «إِنَّ مِنْ الْغُرَّةِ بِاللَّهِ أَنْ يُصِرَّ الْعَبْدُ عَلَى الْمَعْصِيَةِ وَيَتَمَنَّى عَلَى اللَّهِ الْمَغْفِرَةَ» یعنی «از غرور و فریب است که بنده اصرار به گناه داشته باشد، به آرزوی واهی مغفرت خداوندی (چه توقع و انتظار بی موردی!!)». بحار الأنوار، ج 68، ص 188، ح 52 و وسائل الشیعة، ج 7، ص 137، ح 8939.

3- . «مَنْ أَشَدَّ فِي الْحُسَيْنِ شِعْرًا فَبَكَى وَأَبَكَى وَاحِدًا كُتِبَتْ لَهُمَا الْجَنَّةُ». رجوع شود به مبحث: آثار عزاداری و گریه بر امام حسین (علیه السلام).

(رجا) به وسایل حسینی و شفاعت و امثالهم موجب نجاتش می گردد. لذا رجا به معنای آن است که: «پس از سعی به مقدار توانایی در کسب ایمان و ادای واجبات و ترك محرمات، امید دارد که خدا به فضلش، عمل ناقابل او را بپذیرد و او را با خوبان محشور فرماید» (1).
 مثلاً انسان گنهکار بعد از توبه، باز دلهره دارد که آیا توبه اش توبه نصوص بود تا ظلمت را از دلش بزدايد يا نه؟ تا خواست یأس او را بگیرد، به رحمت واسعة الهی «حسین (علیه السلام)» متمسک می شود (2) و یادش می آید در روایات وعده داده شده «هر دلی که برای حسین (علیه السلام) سوخت، خدا به برکت امام حسین (علیه السلام) به او رحم می کند» (3). پس از باب الحسین (علیه السلام) وارد می شود. این معنای رجا است. (همچنین قول شیخ شوشتری در مقدمه خصائصش که در بخش قبل از نظر گذشت، برای درک این مطلب، بسیار مناسب و بجا است) (4). لذا هر روایتی که از آن غرور فهمیدی یا نتیجه اش در تو غرور باشد، بدان اشتباه فهمیدی و به اشتباه افتاده ای. تسویل و فریب کاری نفس و شیطان است. و گرنه امام هرگز به غرور، امر نمی کند و وا نمی دارد (5).

ب- رشد اجتماعی

حادثه کربلا يك اسلام مجسم است و موجب تحرك و حرکت شخصی محب می گردد. چون از این طریق، انسان ها به هدف حضرت پی برده و برای نجات خود و اجتماعشان، قدم در راهش می نهند. هدف امام حسین (علیه السلام)، قناعت

ص: 34

- 1- امام سجاد (علیه السلام) فرمودند: «مَنِ اشْتَأَقَ إِلَى الْجَنَّةِ سَلَا عَنِ الشَّهَوَاتِ وَ مَنْ أَشْفَقَ مِنَ النَّارِ رَجَعَ عَنِ الْمُحَرَّمَاتِ» یعنی «هر که مشتاق بهشت شود، از شهوتها فراموش کند و هر که از دوزخ بترسد از محرمات روگرداند». الکافی، ج 3، باب ذم الدنيا و الزهد فيها، ص 199، ح 15 برگرفته از سید الشهداء (علیه السلام)، شهید سید عبد الحسین دستغیب 6، مجلس 19 و 20، ص 218 و 230.
- 2- البته همان طور که زارع پس از شخم زدن زمین و کاشتن بذر و رفع خار و خاشاک است که امید دارد اگر ابر رحمت پیدا شود و ببارد، به برکت این آب رحمت، بذری که کاشته است، ثمر دهد، انسان نیز بعد از تلاش برای کسب ایمان و تقوا و عمل صالح است که می تواند امیدوار باشد خدا به فضلش و با رحمت و واسعهاش، اعمال ناقابل او را که ممکن است دچار آفت زدگی شده باشد، بپذیرد و او را با خوبان درگاهش محشور نماید. در غیر این صورت مثل او مانند زارعی است که در زمین خود بذری نکاشته و زمینه ای برای رشد آن فراهم نکرده و امید واهی به ثمر دادن زمینش دارد، اما طبیعی است که هر چقدر هم ابر رحمت زیاد و گسترده ببارد، زمین او ثمری نمی دهد. انسانی هم که با پیروی از شیطان و نفس اماره، خود را در اتاق تاریک هوا و هوس و لذائذ نفسانی که هیچ روزنه ای برای عبور نور ندارد، اسیر و محصور نموده باشد، هیچ بهره ای از نور خورشید رحمت الهی با آن وسعت و گستردگی نیز نخواهد داشت. برگرفته از سید الشهداء (علیه السلام)، شهید سید عبد الحسین دستغیب 6، مجلس 20، مبحث: خلاصه بحث فرق بین غرور و رجاء این است، ص 230 و 231.
- 3- همچنان که خدای متعال توبه حضرت آدم (علیه السلام) را با تمسک به خمسه طویه (علیهم السلام) و گریه بر امام حسین (علیه السلام) پذیرفت. امام صادق (علیه السلام) نیز فرمودند: «مَا بَكَى أَحَدٌ رَحْمَةً لَنَا وَ لِمَا لَقِينَا إِلَّا رَحِمَهُ اللَّهُ قَبْلَ أَنْ تَخْرُجَ الدَّمْعَةُ مِنْ عَيْنِهِ» یعنی «احدی به خاطر ترحم بما و به جهت مصائبی که بر ما وارد شده گریه نمی کند مگر آنکه قبل از آمدن اشگ از چشمش حقتعالی او را رحمت خواهد نمود». کامل الزیارات، جعفر بن محمد بن قولویه، مترجم: سید محمد جواد ذهنی تهرانی، باب 32، ص 327، ح 6.
- 4- رجوع شود به مبحث: راه امام حسین (علیه السلام) راه دل است.

5- برگرفته از سید الشهداء (علیه السلام)، شهید سید عبد الحسین دستغیب 6، مجلس 20، مبحث: قبولی توبه به برکت وسائل حسینی، ص 243.

نمودن به اسم و نام اسلام نبود، بلکه هدفش ایمان و تقوا است؛ همچنان که در قرآن نیز آمده: «وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَإِيَّاكُمْ أَنْ اتَّقُوا اللَّهَ» (1) و این همان برنامه جدّ و پدر بزرگوارش نیز بود.

امام حسین (علیه السلام) عامل اساسی برای قیام کربلا را به طور مکرّر و با صراحت کامل بیان نموده است: «أَنْتِي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْطِلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي (صلى الله عليه وآله وسلم) أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي (صلى الله عليه وآله وسلم) وَأَبِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام)» (2) یعنی «من خروج نکردم برای جاه و مقام و ثروت و اخلال گری، و ظالم و ستمگر نبودم. بلکه برای اصلاح امت جدّم خروج کردم و می خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به سیره جدّ و پدرم عمل کنم». همین عامل اساسی بود که باعث شد این نهضت برای همیشه زنده بماند. قرآن کریم نیز این عامل را وسیله مبارزه با فساد معرفی می کند. که اگر نباشد، موجب بدبختی و نابودی جوامع و ملل می گردد. (3) امر به معروف و نهی از منکر اساسی ترین اصلی است که اگر نباشد، موجب بدبختی و نابودی افراد جامعه نیز می گردد و ضامن بقای اجتماع اسلامی است و اگر این اصل نباشد، جامعه متلاشی و متفرق می گردد و پیکرة اجتماع از بین می رود.

لذا اگر شیخ شوشتري 6 از حدیثی نتیجه گرفت که «گریه بر امام حسین (علیه السلام)، دل پیامبر (صلى الله عليه وآله وسلم) و علی و زهرا (علیهما السلام) را شاد می گرداند و موجب برکات اخروی می گردد». (4) البته که ایشان خوشحال می شوند. چون نیت و هدف پیامبر (صلى الله عليه وآله وسلم) و

ص: 35

- 1- «و ما هم به کسانی که پیش از شما، کتاب آسمانی به آنها داده شده بود، سفارش کردیم، و هم به شما سفارش می کنیم که پرهیزکار باشید و از (نافرمانی) خدا پرهیزید». سوره نساء، آیه 131.
- 2- بحار الأنوار، ج 44، ص 329 و مقتل خوارزمی، ج 1، ص 188. برگرفته از حماسه حسینی، شهید مرتضی مطهری (علیه السلام)، ج 2، بخش چهارم، جلسه اول (عوامل مؤثر در نهضت حسینی)، ص 31.
- 3- خداوند در سوره هود، آیه 116 می فرماید: «فَلَوْلَا - كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ» یعنی «چرا در قرون (و اقوام) قبل از شما، مردمی با عقل و ایمان وجود نداشت که خلق را از فساد در زمین و اعمال زشت نهی کند؟! تا ما مثل آن عده اندکی (مؤمنان) که نجات دادیم، همه را نجات دهیم». همچنین در سوره آل عمران، آیه 104 می فرماید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» یعنی «باید از میان شما امت، جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آنها همان رستگارانند».
- 4- رجوع شود به مبحث: آثار عزاداری و گریه بر امام حسین (علیه السلام).

علی و حضرت زهرا (علیهما السلام) یکسان است و خوشحال می گردند که به وسیله ذکر مصائب فرزندشان حسین (علیه السلام)، مردم در دنیا و آخرت سعادتمند شوند و در همان راهی حرکت کنند که فرزندشان حرکت کرده است.

ترفند و دسیسه دشمنان اسلام

اشکی که این چنین آثار فردی و اجتماعی دارد و موجب تحرك و سازندگی است، ارزش دارد. هم در دنیا و هم در آخرت موجب نجات و بیداری انسان ها می گردد و باعث می شود مردم با فساد ستمگر و ظلم ظالم، ستیز کنند و علیه آنها قیام نمایند. لذا دشمنان اسلام با ترفندهای مختلف، می خواهند بگویند که این گریه ها و عزاداری ها، تکرار مکررات است و بی نتیجه و کاری عبث که شادی و نشاط را از انسان می گیرد و رخوت و رکود برای جامعه به بار می آورد، در حالی که جوان که عامل پیشرفت و سرمایه جامعه است، نیاز به تحرك و شادی دارد.

دشمن مستقیم نمی گوید به مجالس امام حسین (علیه السلام) نروید، اعتقاد به قرآن نداشته باشید. بلکه مودیان و بازیگر می خواهد کم- کم و به مرور زمان ایمان را در دل های مسلمانان ضعیف کند و اعتقادشان را متزلزل گرداند و اسلام را در نطفه خفه کند. تا مبادا به کشورهای دیگر هم سرایت کند و منافع استعمارگران، بیش از این به خطر افتد. بله، اسلام هم شادی و هم غم دارد. منتها هدفمند نه مضرّ. اسلام با شادی و غم و غصه مضرّ و پوچ و باطل مخالف است. آنان با تلقیفات به ظاهر دلسوزانه و با قیافه متفکرانه، افکار مخرب خود را از راه رادیوهای بیگانه و عوامل خود فروخته داخلی و خارجی و افراد جاهل و ساده ای که ناگاهانه تبلیغات دشمنان و سخنانشان را اشاعه می دهند، پخش می کنند، به این امید که مردم مسلمان و انقلابی را کم کم در خواب غفلت فرو برند و سرشان را با شادی های مضرّ و پوچ و لذت های زودگذر، مثل فحشا، اعتیاد، فیلم های شهوانی ... سرگرم کنند و تابع مدّ و هوا و هوس گردانند و خصوصاً در این میان به بهانه پیشرفت و تمدن و تجدد و عقب مانده نبودن، از زنان به وسیله نمودار ساختن زینت و زیبایی هایشان،⁽¹⁾ بیشترین بهره را می برند تا به این وسیله مسلمانان به مرور زمان برای رسیدن به

ص: 36

1- . البته منظور نمودار کردن زیبایی ها در برابر نامحرمان است که شرع مقدس توجه و سرگرم شدن به آن را جایز نمی داند و چه زیبا می - فرماید امام علی (علیه السلام) که: «مَا خَيْرٌ بِخَيْرِ بَعْدَهُ النَّارُ وَ مَا شَرٌّ بِشَرِّ بَعْدَهُ الْجَنَّةُ وَ كُلُّ نَعِيمٍ دُونَ الْجَنَّةِ فَهُوَ مَحْقُورٌ وَ كُلُّ بَلَاءٍ دُونَ النَّارِ عَاقِبَةٌ» یعنی «آن خوبی (و لذتی) که پس از آن آتش است، خوبی نیست و آن بدی که پس از آن بهشت است، بدی نیست. هر نعمتی غیر از بهشت بی ارزش است و هر بلائی غیر از آتش جهنم، سلامتی است». نهج البلاغه، امام علی (علیه السلام)، مرحوم سید رضی، مترجم: مصطفی زمانی، کلمات قصار، ص 1013، شماره 394.

اهداف واهی، اعتقادهای خود را زیر پا بگذارند و هویت و غیرت و شخصیت دینی و ملی خود را نادیده بگیرند و استقلال فکری و روحی شان نابود گردد. تا در زندگی، از خود اصول و مبادی و فلسفه ای ارزشمند نداشته باشند. به بیان دیگر، هدف دشمنان ایجاد استعمار فکری است که خطرناک تر از انواع دیگر استعمار است. چون در این نوع استعمار، شخص مثل دشمن فکر می کند و مانند او می بیند و اصلاً هم احساس نمی کند که استعمارزده شده است و به طرف آن که می درد، می دود. ارزش استقلال فکری و اعتماد و اعتقاد به فلسفه زندگی خود و احترام به سنت ها و نظام های خود، از علم بالاتر است. ملت عالم ممکن است در ملت دیگر هضم شود، ولی ملتی که احساس شخصیت و استقلال می کند، در ملت دیگر هضم نمی شود. (1)

لذا در پاسخ به کسانی که می گویند: چرا گریه؟ علاوه بر مطالب گذشته، باید گفته شود: همان طور که خنده اقسامی دارد، اشک و گریه نیز اقسام مختلفی دارد:

اشک شوق، اشک توبه و پشیمانی، اشک رأفت و دلسوزی، اشک فراق، اشک ذلت، اشک تظاهر و ریا، اشک غم و اندوه ... ولی هر اشکی مضرّ و رکودآور نیست و سبب کسالت روحی و افسردگی نمی گردد و نشاط را از بین نمی برد. همان طور که هر خنده ای نیز خوب و سازنده و نشاط آور نیست؛ مثلاً اکثراً شاهد اشک شوق به هنگام ورود اسرا و آزادگان جنگ تحمیلی به ایران اسلامی بوده ایم. آیا این اشک افسردگی و کسالت به بار می آورد؟ یا اگر کسی با خواندن یا شنیدن اوصاف و نعم بهشتی، اشک شوق بریزد، اشکش رکود آور و مخرب است؟! اشکی که فرد گنهکار برای پشیمانی از گناه می ریزد، آیا او را سبک می کند یا افسرده؟ مگر در جبهه ها شاهد نبودیم که رزمندگان اسلام، شب ها در سنگرها مشغول خواندن دعا و روضه و زیارت نامه ها بودند و اشک می ریختند و روزها مثل شیر در جبهه ها، به دشمنان اسلام حمله می کردند. آیا معنای رکود و بی حالی و سستی و افسردگی این است؟

ص: 37

1- برگرفته از حماسه حسینی، شهید مطهری 6، ج 3، بخش هفتم (یادداشت حماسه حسینی)، ص 326 و مطالب ارزشمند حجة الاسلام سید ابراهیم موسوی هوائی، در مجالس ایام صفر، سال 1381 ش.

گریه و عزاداری بر امام حسین (علیه السلام) نیز، چنین است؛ یعنی لذت بخش است. به قلب صفا و روشنی می دهد. ایمان و اعتقاد را تقویت می کند. جامعه و انسان را می سازد. چراغ راه سعادت است. مقلب القلوب است و رشد آور و نشاط انگیز است. لذا انسان بعد از آن، احساس سبکی و نزدیکی به خدا می کند. نه اینکه احساس یأس و افسردگی. می توان گفت، اشک بر امام حسین (علیه السلام) از جمله مصادیق این شعر است:

گریه بر هر درد بی درمان دوا است چشم گریان، چشمه فیض خداست

و به همین خاطر است که دشمنان عزمشان را جزم کرده اند تا این اشک ارزشمند و سازنده و آموزنده تحرك آور را از ما بگیرند. (1)

در پایان

این شعر عمر بن فارض مصری را در آخر قصیده یائیه اش، مناسب با حال خود دیدم:

«ذهب-العمر ضیاعاً و انقضی باطلاً ان-لم افز منك بشی ء»

«غیر ما اوتیت-من عهدی الولا عترة المبعوث من آل قصی» (2)

خداوندا به ما توفیق ده که آزاد و آزاده باشیم و از بند غیر خدا، خود را برهانیم و همچنان که تو ما را آزاد آفریدی، (3) با همان پاکی و آزادگی به سویت رجوع کنیم. الهی فرقان و قدرت تشخیص به ما عنایت فرما تا مکر دشمنان را به خودشان باز گردانیم.

ص: 38

1- . برگرفته از سخنان حجة الاسلام سید ابراهیم موسوی هوائی، در مجالس ایام صفر، سال 1381 ش.

2- . یعنی «عمرم به باطل گذشت، حال که می خواهم بمیرم، دستم خالی است و یگانه تکیه و دل خوشی من، ولایت عترت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) است». سید الشهداء (علیه السلام)، شهید سید عبد الحسین دستغیب 6، مجلس 12، تحت عنوان: دوستی آل محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) ضروری اسلام است، ص 119.

3- . «لَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَقَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا» یعنی «بنده دیگری مباش در حالی که خداوند تو را آزاد آفریده». نهج البلاغة، امام علی (علیه السلام)، مرحوم سید رضی، مترجم: مصطفی زمانی، نامه شماره 31 به حضرت امام حسن مجتبی (علیه السلام)، ص 710.

این مقاله در دو بخش تنظیم گردیده است:

بخش اول - معنویت و عرفان امام حسین (علیه السلام).

بخش دوم - گریه و عزاداری بر امام حسین (علیه السلام) چرا؟

از آن جا که پی بردن به صفات و درجه عرفان و توحید و معنویت امام حسین (علیه السلام) موجب معرفت بیشتر، نسبت به ایشان می گردد، لذا بخش اول را به عرفان امام حسین (علیه السلام) اختصاص دادم.

این شناخت از دو طریق بررسی شده است:

الف) سخنان و ادعیه ذکر شده از حضرت.

ب) عملکرد و راه عملی که حضرت برای پیمودن کمال و رسیدن به لقاء الله ارائه داده اند، که همان راه دل است. در پایان بخش اول، برخی آثار که بر محبت و عزاداران امام حسین (علیه السلام) مترتب می باشد، ذکر گردیده است.

و اما بخش دوم مربوط به گریه و عزاداری برای امام حسین (علیه السلام) است و اینکه اگر اسلام شهادت را پیروزی و رستگاری و فوز عظیم می داند، پس چرا مسلمانان در شهادت حضرتش گریه و عزاداری می کنند؟

در ابتدای این بخش، سخنان بعضی که عمل مسلمانان را با نصاری مقایسه می کنند و نتیجه می گیرند که اسلام، شهادت را شکست و مسیحیت آن را موفقیت می داند، ذکر شد و دلالتی بر رد آن مطرح گردید.

در قسمت بعد دلالتی از قرآن و سنت و عقل بیان شد که محبت و عزاداری برای سیدالشهدا (علیه السلام) را تأیید می کرد و بیان شد که ما وظیفه تبعیت از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) را داریم و ایشان برای فرزندش حسین (علیه السلام) بارها اقامه عزا نموده اند. علاوه بر این حضرت زهرا (سلام الله علیها) و ائمه هدی (علیهم السلام) و جمیع انبیا (علیهم السلام) و ملائکه و اولیای خدا و حتی جن ها و حیوانات و جمادات نیز برای امام حسین (علیه السلام) محزون و نالان و گریان شده اند. لذا چطور ممکن است انسان دارای عاطفه و انسانیت، در این مصیبت عواطفش به هیجان در نیاید و متاثر نگردد؟!

و اصلاً انسان موجودی عاطفی است و امام حسین (علیه السلام) چون از ما انسان تر و کامل تر است، لذا عواطفش به اولاد و اصحابش بیشتر بوده است و تحمل مصائب نیز خیلی برای حضرتش مشکل تر بوده. اما چون محبت ایشان به خداوند متعال زیادتر بوده، همین محبت و عشق واقعی، موجب گشته که از هر تعلقی جز تعلق خدا پاک گردد و برای رضای دوست، هر چه دارد در طبق اخلاص گذارد.

و اما انسان که به حکم قرآن باید از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) تبعیت کند و ایشان را در زندگی الگوی خود قرار دهد و حتی فرزنداناش را بیشتر از فرزندان خود دوست بدارد، شایسته است مثل دیگر مخلوقات عالم خلقت، در این مصیبت عظیم که بر فرزند رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) جاری گشته، گریان و نالان باشد.

در مرحله بعد، برخی دیگر از آثار عزاداری و گریه بر امام حسین (علیه السلام) ذکر گردید و فلسفه توصیه زیاد بزرگان به اقامه عزای حسینی بیان شد که همان سازندگی و آموزندگی حادثه کربلا است که موجبات رشد فردی و اجتماعی را فراهم می سازد. و همچنین ذکر گردید که نباید به این وسایل حسینی (اثرهای گریه و عزاداری برای امام حسین (علیه السلام)) مغرور گشت و اینها همه برای «رجا» ذکر گردیده اند و گریه به همراه عمل صالح و توبه از گناهان و رجوع نکردن به گناه است، که به برکت امام حسین (علیه السلام) موجب نجات می گردد و این نفس اماره است که مطلب را برایمان وارونه جلوه می دهد تا انسان مغرور گشته و بدون عمل صالح، طمع به بهشت داشته باشد و تا آخر عمر در غفلت بماند.

در پایان ترفند دشمنان اسلام که می خواهند با گرفتن این اشک سازنده و ارزشمند به اهداف شوم خود برسند، مطرح گردید و بیان شد که تمامی اقسام اشک مثل همه انواع خنده، مضرّ و رکودآور نیست، بلکه بر عکس سازنده هم می باشد و در نتیجه جایگاه اشک بر امام حسین (علیه السلام) روشن گردید.

«با امید به اینکه این سعی ناچیز مقبول درگاه حضرتش واقع گردد».

و آخر دعوانا الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین سیّما ابی عبدالله الحسین (علیه السلام) و لعن الله ظالمیهم و غاصبی حقوقهم الی یوم الدین.

- 1- قرآن کریم، ترجمه الهی قمشه‌ای، خطاط احمد تبریزی، انتشارات دهقانی، قم، چاپ چهارم، 1369 ش.
- 2- تفسیر المیزان، علامه سید محمد حسین طباطبایی، مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی، کانون انتشارات محمدی، تهران، چاپ چهارم، 1369 ش (جلد 6: مترجم عبد الکریم تیری بروجردی، انتشارات مؤسسه مطبوعات دارالعلم، قم، چاپ دوم، 1346 ش).
- 3- مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، ترجمه: موسوی کلانتری دامغانی، خوشنویس: افشاری، انتشارات ریحانه پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)، قم، چاپ اول، 1381 ش.
- 4- نهج البلاغه امام علی (علیه السلام)، مرحوم سید رضی، مترجم: مصطفی زمانی، انتشارات نبوی، تهران، چاپ دوازدهم، پاییز 1377 ش.
- 5- اصول کافی، کلینی، ترجمه و شرح حاج سید جواد مصطفوی، انتشارات مسجد چهارده معصوم (علیهم السلام). (جلد 3: دفتر نشر فرهنگ اهل بیت (علیهم السلام)).
- 6- کامل الزیارات، جعفر بن محمد بن قولویه، مترجم: سید محمد جواد ذهنی تهرانی، انتشارات پیام حق، تهران، چاپ هفتم، 1389 ش.
- 7- سخنان برگزیده از برگزیدگان جهان و تاریخ چهارده معصوم (علیهم السلام)، سید ابراهیم میانجی، انتشارات کتاب فروشی مرتضوی، ذی‌عده الحرام 1394 هجری قمری.
- 8- تحلیل سیره فاطمه زهراء (سلام الله علیها)، تحقیق و نگارش علی اکبر بابا زاده، انتشارات انصاریان، قم، چاپ اول، زمستان 1374 ش.
- 9- خصائص الحسینیه، آیت الله جعفر شوشتری، مترجم: خلیل الله فاضلی، ناشر دیجیتال: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.
- 10- حسین (علیه السلام) پیشوای انسانها، م- اکبر زاده، انتشارات اسلامی، تهران، چاپ دوم، خرداد 1343.

- 11- مقتل شوشتری (روضه‌های حضرت آیت الله شیخ جعفر شوشتری 6)، گردآورنده: ابراهیم سلطانی نسب، انتشارات آرام‌دل، تهران، چاپ چهارم، 1385 ش.
- 12- مقتل امام حسین (علیه السلام)، گروه حدیث پژوهشکده باقر العلوم (علیه السلام)، مترجم: جواد محدثی، شرکت چاپ و نشر بین الملل وابسته به امیر کبیر، تهران، چاپ اول، زمستان 1381 ش.
- 13- سید الشهداء (علیه السلام)، شهید آیت الله دستغیب، مؤسسه دارالکتاب (جزایری)، قم، چاپ چهارم، تابستان 1373 ش.
- 14- حماسه حسینی، شهید مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، چاپ بیست و دوم، بهار 1374 ش (جلد دوم: چاپ نوزدهم و جلد سوم: چاپ هفدهم).
- 15- کرامات الحسینیه، شیخ علی میرخلف زاده، ناشر: نصایح، قم، چاپ اول، تابستان 1376 ش.
- 16- پرچمدار نینوا، محمد محمدی اشتهاردی، انتشارات مسجد مقدس جمکران، قم، چاپ اول، 1376 ش.
- 17- 200 داستان از فضایل و کرامات و مصایب حضرت زینب (سلام الله علیها)، عباس عزیزی، انتشارات سلسله، قم، چاپ اول، فروردین 1378.
- 18- زندگانی علی بن الحسین (علیه السلام)، سید جعفر شهیدی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ پنجم، 1372 ش.
- 19- ام‌البنین (سلام الله علیها) نماد از خود گذشتگی، محمد رضا عبدالامیر انصاری، ترجمه موسی دانش، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ چهارم، 1384.
- 20- فاطمه دختر امام حسین (علیه السلام)، علی محمد علی دخیل، ترجمه صادق آئینه‌وند، انتشارات امیر کبیر، تهران، چاپ چهارم، 1366 ش.
- 21- نقش زنان در تاریخ عاشورا، دکتر علی قائمی، انتشارات شفق، قم.
- 22- داستانهای شگفت، شهید محراب آیت الله سید عبدالحسین دستغیب، انتشارات اسلامی، چاپ دوازدهم، زمستان 1373.
- 23- کرامات علماء، عبدالرحمن باقر زاده بابل، مؤسسه دارالکتاب (جزایری)، قم، چاپ دوم، آبان 1377.

24- رسول تُرک آزاد شدة امام حسين(عليه السلام)، محمد حسن سيف اللهی، انتشارات مسجد مقدس جمکران، قم، چاپ اول، زمستان 1379ش.

25- عربی سوم انسانی، مؤلفان: عیسی متقی زاده و حمید رضا میرحاجی و علی چراغی و حبیب تقوایی، شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران، تهران، چاپ اول، 1380ش.

نرم افزارهای مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی :

1- اندرویدی جامع الاحادیث نور 2.0.1

2- ویندوزی گنجینه روایات نور 2/1

3- ویندوزی جامع الاحادیث نور 2 (نور 2)

4- ویندوزی جامع الاحادیث 5/3 (نور 3)

5- ویندوزی جامع تفاسیر نور (نور الانوار 3)

ص: 43

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه موفق به تولید نرم‌افزارهای تلفن همراه، کتاب‌خانه‌های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می‌شود.

برای خدمت‌رسانی بیشتر شما هم می‌توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می‌دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک می‌گوییم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه‌ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبادی - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

